

تقویت لیسینگ با فیلم

جلد سوم

1900



۶۳۰ جمله (۴۲ درس)

جلد ۳

پکیج تصویری تقویت لیسنینگ

جلد سوم

شامل ۶۳۰ جمله (۴۲ تا درس)

هر درس ۱۵ جمله

فهرست مطالب

صفحه ۳	مقدمه، راهنمای استفاده و نکات یادگیری
صفحه ۴	سطح ۳ - درس ۱ الی ۴
صفحه ۱۲	سطح ۳ - درس ۵ الی ۸
صفحه ۲۰	سطح ۳ - درس ۹ الی ۱۲
صفحه ۲۸	سطح ۳ - درس ۱۳ الی ۱۶
صفحه ۳۶	سطح ۳ - درس ۱۷ الی ۲۰
صفحه ۴۴	سطح ۳ - درس ۲۱ الی ۲۴
صفحه ۵۲	سطح ۳ - درس ۲۵ الی ۲۸
صفحه ۶۰	سطح ۳ - درس ۲۹ الی ۳۲
صفحه ۶۸	سطح ۳ - درس ۳۳ الی ۳۶
صفحه ۷۶	سطح ۳ - درس ۳۷ الی ۴۲

توجه : جلد سوم این مجموعه شامل ۶۳۰ جمله است.

حق چاپ، نشر و هرگونه کپی برداری محفوظ و متعلق به وب سایت هونیک می باشد

مقدمه

پکیج تصویری تقویت لیسنینگ و مکالمه با استفاده از جملات پرکاربرد فیلم های انگلیسی، شامل ۱۹۰۰ جمله می باشد که جهت تقویت مهارت های لیسنینگ و اسپیکینگ بر اساس تمریناتی تخصصی طراحی شده است. چنانچه تمامی تمرینات را با دقت انجام دهید، پیشرفت قابل چشمگیری در زبان انگلیسی شما بویژه مهارت های لیسنینگ و اسپیکینگ رخ خواهد داد.

جملات این کتاب از فیلم های متعددی با دقت بسیار زیادی گلچین شده است و سعی شده بهترین جملات جهت آموزش و یادگیری شما عزیزان گردآوری شود. زیرا ما می دانیم وقت شما بسیار ارزشمند است و باید مجموعه ای که شایستگی شما عزیزان را داشته باشد تهیه گردد. لذا تیم گروه آموزشی هونیک نهایت سعی خود را کرده است تا بهترین ها را برای شما عزیزان تهیه نماید.

راهنمای استفاده از تمرینات

جهت انجام تمرینات میبایست جملات انگلیسی را که می بینید و می شنوید، تکرار کنید و بنویسید.

مرحله اول: به فایل تصویری جمله مورد نظر گوش دهید و سعی کنید با صدای بلند تکرار کنید. سعی کنید آنقدر با صدای بلند تکرار کنید تا حفظ شوید. (تقویت لیسنینگ و اسپیکینگ)

مرحله دوم: جمله انگلیسی که شنیده اید و بر زبان آورده اید (حفظ شده اید) را اینک بنویسید. (تقویت لیسنینگ و رایتینگ)

توجه : چنانچه نتوانستید برخی از جملات را حدس بزنید، ایرادی ندارد، سایر تمرینات را انجام دهید و بعد نگاهی اندک به متن انگلیسی جمله بیاندازید و سپس برگردید و تمرین را دوباره انجام دهید.

نکات یادگیری

- ۱- سعی کنید انگیزه لازم جهت یادگیری را در خود بوجود آورید.
- ۲- زبان یاددانی نیست بلکه یاد گرفتنی است، برای یادگیری باید درگیر شوید، باید تمرینات فراوان انجام دهید.
- ۳- برنامه داشته باشید و اونو روی کاغذ بنویسید و در معرض دیدتون قرار دهید.
- ۴- واسه تقویت لیسنینگ فقط از فایل های تصویری و صوتی افراد نیتو استفاده کنید.
- ۵- برای تقویت لیسنینگ حتما باید صحبت هم کنید، مهارت لیسنینگ و اسپیکینگ در کنار هم پیشرفت می کنند.
- ۶- هرگز موقع گوش دادن، همزمان ترجمه نکنید، سعی کنید بر روی کلمات و جملات انگلیسی تمرکز کنید و آنها را حدس بزنید. برای اینکه بتوانید اینکار را انجام دهید باید از جملات ساده شروع کنید و بتدریج سطح جملات را افزایش دهید.

درس ۱ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

1

2

3

4

5

6

7

8

9

10

11

12

13

14

15

درس ۱

- 1 Don't even think about getting married till you're 30.
تا ۳۰ سالگی حتی به ازدواج کردن فکر هم نکن.
- 2 So you've come to the master for guidance?
پس اومدی پیش استاد برای راهنمایی؟
- 3 I'm not even on that plan.
من حتی از اون نقشه اطلاعی ندارم.
- 4 Upon his entrance, you will rise and genuflect.
به محض ورود ایشان، بلند میشی و تعظیم می کنی.
- 5 Now, how can a birth be hilarious, you ask?
حالا می پرسین که چطوری به دنیا اومدن یه بچه می تونه خیلی خنده دار باشه؟
- 6 I am not going to exploit.
من قصد سوء استفاده کردن ندارم.
- 7 It's arbitrary. This is the most competitive industry on earth.
خودسرانست. این رقابتی ترین صنعت روی زمین.
- 8 Danny is so sweet and considerate. And he's gonna be a cardiologist.
دنی خیلی شیرین و مهربونه. و می خواد متخصص قلب بشه.
- 9 And then, of course, there are the funerals.
و سپس، البته، تشییع جنازه وجود داره.
- 10 Any tips before I go in?
قبل از اینکه وارد شوم، راهنمایی دارید؟
- 11 I'm not trying to be rude. I just think better in the back.
بی ادبی نباشه. فقط من صندلی عقب بهتر فکر می کنم.
- 12 Alice, you can keep watching your show, it's fine.
آلیس، می تونی به تماشای برنامه‌ات ادامه بدی. مشکلی نیست.
- 13 I'm genuinely offended by that supposition.
با اون فرضیه واقعا بهم توهین شد.
- 14 At a time in the world where things were feeling less and less certain, there was one thing you could always count on, the Heroics.
در دوره ای از جهان که همه چیز کمتر و کمتر قطعیت داشت، همیشه می تونستید روی یه چیز حساب کنید، قهرمانان.
- 15 Are there any sugar cookies left for your favorite goddaughter?
شیرینی شکری برای دخترخونده مورد علاقت باقی مونده؟

درس ۲ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

16

17

18

19

20

21

22

23

24

25

26

27

28

29

30

درس ۲

- 16 No, you are too old to be scared to open a bottle of champagne.
نه، تو برای ترسیدن از باز کردن یه بطری شامپاین خیلی پیری.
- 17 All right, well, let me show you how it's done.
خیله خب، بزار بهت نشون بدم که چطوری انجام میشه.
- 18 I slashed benefits to the bone.
من هزینه ها رو تا حد امکان کاهش دادم.
- 19 You will answer to Mufasa for missing the ceremony this morning.
تو باید به موفاسا برای غیبت تو مراسم امروز صبح جواب پس بدی.
- 20 Ordinary kids don't make other kids run away from playgrounds.
بچه های معمولی کاری نمیکنن که بچه های دیگه از زمین بازی فرار کنن.
- 21 The actual studios are scattered around the building.
استودیوهای واقعی تو اطراف ساختمان پراکنده هستن.
- 22 I could pluck you out and move you all the way to the front of the line.
می تونم تو رو بیرون بکشم و تا آخر خط ببرم.
- 23 But my mom says you do charity for kids all the time.
اما مامانم میگه تو همیشه به بچه ها کمک می کنی.
- 24 So many more than I could imagine.
خیلی بیشتر از اون چیزی که میتونم تصور کنم.
- 25 That's what I gather, but I can get along with anyone,
اینو متوجه شدم، ولی من می تونم با هرکسی کنار بیام.
- 26 We're not finishing until tomorrow, so please hold on all judging.
ما تا فردا کارمون رو تموم نمی کنیم، پس لطفا همه ی قضاوت ها رو متوقف کن.
- 27 Richard came early to help the caterers set up.
ریچارد زودتر اومد تا به مسئولین غذا کمک کنه.
- 28 You're making a big deal out of nothing.
داری هیچی رو بزرگ می کنی.
- 29 Let's just hope it's more than just a downed satellite.
بیا امیدوار باشیم که چیزی بیشتر از یه ماهواره ی سقوط کرده باشه.
- 30 Well, you are my only goddaughter. But for you, there will always be sugar cookies.
خب، تو تنها دخترخونده ی منی. ولی برای تو همیشه شیرینی شگری داریم.

درس ۳ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

31

32

33

34

35

36

37

38

39

40

41

42

43

44

45

درس ۳

- 31 The next night, I took her out to this little bistro in Brooklyn.
شب بعدش، من اونو به این کافه ی کوچولو تو بروکلین بردم.
- 32 Is Josh concerned about downsizing, himself?
جاش نگران اخراج شدن خودشه؟
- 33 Today, at the end of the day, I will have, for all of you, a big surprise.
امروز، در پایان روز، برای همه ی شما یک سورپرایز بزرگ خواهم داشت.
- 34 As the king's brother, you should've been first in line.
شما به عنوان برادر پادشاه، باید اول صف می ایستادی.
- 35 And from what your home school teacher tells me, you'll get first prize.
و با توجه به اونچه که معلم خونگیته به من میگه، تو جایزه نفر اول رو می گیری.
- 36 Are you sure you wanna take that on?
مطمئنی می خوای اینو گردن بگیری؟
- 37 I need you to find a way to prove it.
می خوام خودت یه راهی برای اثباتش پیدا کنی.
- 38 Can I do an accent?
می تونم ادای یه لهجه رو در بیارم؟
- 39 They're great. I love them to pieces.
اونا عالین. با تمام وجودم دوستشون دارم.
- 40 We hit our five-year goal in nine months.
ما به هدف پنج سالمون تو ۹ ماه رسیدیم.
- 41 I called you quicker than you thought I would.
زودتر از اونی که فکر میکردی بهت زنگ زدم
- 42 Uh, it's the family's publishing company. Dad trusts me to run it.
اوه، این شرکت انتشارات خونوادگیه پدر به من اعتماد داره که ادارش کنم.
- 43 I might've lost the info on that one.
باید اطلاعات مربوط به اونو از دست داده باشم.
- 44 Excuse me, Marcus. What are you still doing here? When I said everyone, I meant everyone.
ببخشید مارکوس. داری اینجا چیکار می کنی؟ وقتی گفتم همه، منظورم همه بود.
- 45 The judging committee is pleased to invite you to compete in our 56th International Christmas Baking Competition.
کمیته داوری با خوشحالی از شما دعوت می کند تا در پنجاه و ششمین مسابقه بین المللی پخت کریسمس ما شرکت کنید.

درس ۴ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

46

47

48

49

50

51

52

53

54

55

56

57

58

59

60

درس ۴

- 46 So, these guys think I chickened out.
پس، اینا فکر میکنن که من ترسیدم.
- 47 Our philosophy is about honesty and positive expectations.
فلسفه ی ما صداقت و انتظارات مثبت است.
- 48 You could be referring to anything.
ممکنه به هر چیزی اشاره داشته باشی.
- 49 Ten flamingos are taking a stand.
ده فلامینگو دارن موضع گیری می کنند.
- 50 Precepts can help motivate us.
مقررات می تونن به ما انگیزه بدن.
- 51 I'm not making a face.
من شکلک در نمیارم.
- 52 It's actually better for you if you don't involve me in this.
در واقع برای خودت بهتره که منو درگیر این قضیه نکنی.
- 53 My kids? Have you completely lost your mind?
بچه هام؟ عقلتو از دست دادی؟
- 54 Don't get me wrong, I'm not an unhappy person. Quite the contrary.
اشتباه نکنید، من یه آدم ناراحت نیستم. کاملاً برعکس.
- 55 I swear, I was gonna stay late and do this myself.
قسم می خورم می خواستم تا دیر وقت بمونم و خودم این کار رو کنم.
- 56 I ordered some stuff to check on how it arrived.
چند تا چیز سفارش دادم تا ببینم که چطور میرسن.
- 57 It's like I can still feel his hand on my shoulder.
انگار هنوز دستش رو رو شونم حس می کنم.
- 58 But you see, I'm your daughter's partner for the school project, and we really need to get to this place.
اما ببینید، من همکار دختر شما تو پروژه ی مدرسه هستم، و ما واقعاً باید به این مکان بریم.
- 59 Your parents will be very proud when I tell them of your exceptional behavior.
وقتی رفتار استثنایی شما رو به پدر و مادرتون بگم خیلی بهتون افتخار می کنن.
- 60 Could you be spontaneous for once in your life?
می تونی برای یه بار شده تو زندگی یهو و بدون برنامه کاری کنی؟

درس ۵ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

61

62

63

64

65

66

67

68

69

70

71

72

73

74

75

درس ۵

- 61 I can't believe you're still not wearing a suit.
باورم نمیشه هنوز کت و شلوار نپوشیدی.
- 62 We believe that 99% of the problems in the workplace arise simply out of ignorance.
ما معتقدیم که به سادگی ۹۹ درصد مشکلات محیط کار از روی بی اطلاعی به وجود میاد.
- 63 Um, before I tell everybody what the big surprise is, would you like to tell me what you think the big surprise is?
ام، قبل از اینکه به همه بگم سورپرایز بزرگ چیه، آیا دوست دارید به من بگید که خودتون فکر می کنید سورپرایز بزرگ چیه؟
- 64 If you wish to kill something, you might want to stay downwind.
اگر می خوای چیزی رو بکشی، باید در مسیر باد باشی.
- 65 Who is it that I aspire to be?
اونی که آرزو دارم باشم کیه؟
- 66 Your Twitter account has several disparaging comments about women's looks.
حساب تویتر شما نظرات تحقیرآمیزی در مورد ظاهر زنان داره.
- 67 Honey, you absolved him.
عزیزم، تو اونو تبرئه کردی.
- 68 I'm taking my kids, I'm selling you out and I'm going home.
بچه هام رو می برم، تو رو لو میدم و میرم خونه.
- 69 I just know there's a hole in my life, and I need to fill it. Soon.
من فقط می دونم یه خلا تو زندگیم وجود داره و باید اونو پر کنم. به زودی.
- 70 This is your gift for a job well done.
این هدیه ی تو برای یه کار خوبه.
- 71 Oh, I'm so slammed next week.
اوه، من هفته بعد خیلی درگیرم.
- 72 I feel simultaneously freed by, and supported by them.
من حس می کنم همزمان هم به وسیله ی اونا آزاد شدم و هم حمایت می کنن.
- 73 Do you have any clue what horrible situations we had you in, in our heads?
می دونی چه شرایط وحشتناکی در موردت تو ذهنمون تصور می کردیم؟
- 74 You probably think I'm in the chair because my legs are weak, but it's the opposite.
احتمالاً فکر می کنی که من روی صندلیم چون پاهام ضعیفه. اما برعکس.
- 75 They're giving us the entire afternoon to prep the kitchen and two days to relax and go sightseeing.
اونا تموم بعدازظهر رو به ما فرصت میدن تا آشپزخونه رو آماده کنیم و دو روز هم برای استراحت و گشت و گذار وقت میدن.

درس ۶ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

76

77

78

79

80

81

82

83

84

85

86

87

88

89

90

درس ۶

- 76 As I walked up to that door, a million thoughts raced through my mind.
وقتی به سمت اون در بالا می رفتم، میلیونها فکر و خیال به سراغم اومد.
- 77 This office, I think is very advanced in terms of racial awareness.
این دفتر، من فکر می کنم از نظر (داشتن) آگاهی نژادی خیلی پیشرفته هست.
- 78 When I am backed into a corner that is when I come alive.
وقتی به گوشه ای رینگ رنده میشم، زمانیه که هیجان زده و پراثری میشم.
- 79 An elephant graveyard is no place for a young prince.
قبرستان فیل ها جایی برای یه شاهزاده ی جوان نیست.
- 80 My mom says that on my fourth birthday I wished for a little brother.
مامانم میگه که تو تولد چهار سالگیم آرزو کردم یه برادر کوچیک داشته باشم.
- 81 Call me stupid, but I thought he'd respect the challenge.
منو احمق فرض کن، اما فکر می کردم که به چالش احترام میزاره.
- 82 At what price? The price of our apartment. My salary.
به چه قیمتی؟ به قیمت آپارتمانمون. حقوق من.
- 83 He wants to punch me in the face.
اون می خواد با مشت بزنه تو صورتم.
- 84 Applicants must be over 65 years of age.
متقاضیان باید بالای ۶۵ سال سن داشته باشند.
- 85 Plus, they say sitting is the new smoking.
به علاوه، اونا میگن که نشستن، سیگار کشیدن جدیده.
- 86 Oh, God. This is enormously satisfying.
اوه خدایا. این خیلی رضایت بخشه.
- 87 He's a genuinely selfless man.
اون یه مرد واقعا فداکاره.
- 88 Last year, I started cutting myself. I still deal with it, but I'm here.
پارسال شروع به زخمی کردن خودم کردم. من هنوز باهش کنار میام، اما اینجام.
- 89 He can rewind time but just a few seconds.
او می تونه زمان رو به عقب برگردونه اما فقط چند ثانیه.
- 90 I heard she was touring the set for the royal baking competition.
شنیدم در حال بازدید از مجموعه برای مسابقه سلطنتی پختن کیکه.

درس ۷ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

91

92

93

94

95

96

97

98

99

100

101

102

103

104

105

درس ۷

- 91 As your sponsor, I will not let you relapse.
به عنوان اسپانسر، نمیزارم مثل قبل بشی.
- 92 I pledge to always keep an open mind and an open heart.
من تعهد میدم که همیشه ذهن و قلبی پذیرا داشته باشم.
- 93 But Angela said she doesn't like to gamble.
ولی آنجلا گفت که دوست نداره قمار کنه.
- 94 You're messing up my mane!
داری یال منو بهم میزنی.
- 95 Mom and Dad would always say I was the most understanding girl in the world.
مامان و بابا همیشه می گفتن که من فهمیده ترین دختر دنیا هستم.
- 96 We're sitting here wondering if a candidate for President poisoned my coffee.
ما اینجا نشسته ایم و داریم فکر می کنیم که آیا یه نامزد ریاست جمهوری قهوه منو مسموم کرده؟
- 97 That pays our fucking bills.
این کار قبض های لعنتی ما رو پرداخت می کنه.
- 98 Danny is a big plastic surgeon Who never had time for a wife.
دنی یه جراح پلاستیک بزرگه که هیچوقت برای یه همسر وقت نداشته.
- 99 I read once, musicians don't retire.
من یه بار خوندم که موسیقیدانا بازنشسته نمیشن.
- 100 I spotted you in the lunchroom. I wondered who you were.
تو ناهار خوری دیدمت. برام عجیب بود که کی هستی.
- 101 We made some progress. Very big day for the intern team.
کمی پیشرفت کردیم. روز خیلی بزرگی برای تیم کارآموزا.
- 102 I just buried my 85-year-old father who committed suicide.
من تازه پدر ۸۵ سالم رو که خودکشی کرده بود، دفن کردم.
- 103 I think too fast to keep track of anything,
من خیلی سریع فکر می کنم تا چیزی رو دنبال کنم.
- 104 The only thing they agree on is that they don't like each other.
تنها چیزی که سرش با هم توافق دارن اینه که همدیگرو دوست ندارن.
- 105 The Royal pastry chef here has a way of doing things, and I'm not sure they're to my liking.
شیرینی پز سلطنتی اینجا روش خودشو برای انجام کارا دارد، و مطمئن نیستم که اونا مطابق میل من باشن.

درس ۸ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

106

107

108

109

110

111

112

113

114

115

116

117

118

119

120

درس ۸

- 106 But, may I suggest one little modification?
اما، ممکنه یه اصلاحیه ی کوچیک پیشنهاد کنم؟
- 107 Did anyone look each other in the eye?
اصلا کسی با کسی چشم تو چشم شد؟
- 108 I think an alliance might be a good idea.
فکر می کنم اتحاد ممکنه ایده ی خوبی باشه.
- 109 Oh, how lovely it is to see the future king with his future queen.
اوه، چقدر دوست داشتنیه که پادشاه آینده رو با ملکه آینده اش ببینی.
- 110 I could've helped him. Maybe he could've helped me.
می تونستم بهش کمک کنم. شاید اونم میتونست بهم کمک کنه.
- 111 He said, You act like it only rains on women.
گفت: طوری رفتار می کنی که همه ی اتفاقا فقط برای زنا میفته.
- 112 I'm in favor of people being able to carry handguns.
من طرفدار آدمایی هستم که بتونن اسلحه حمل کنن.
- 113 That makes a lot of sense.
خیلی با عقل جور در میاد.
- 114 Well, I still have music in me, absolutely positive about that.
خب، من هنوز درونم موسیقی دارم، کاملاً در موردش مطمئنم.
- 115 Then someone told me you were an intern.
بعدش یکی به من گفت تو کارآموزی.
- 116 It was great. I mean, she yelled at me.
عالی بود. یعنی سرم داد زد.
- 117 But let me assure you this. My presence will be ornamental.
اما بزار خیالتو راحت کنم. حضور من اینجا الکیه.
- 118 I worried about life. I worried about what would happen if I let myself feel again.
من نگران زندگی بودم. نگران بودم که اگه دوباره به خودم اجازه بدم چیزی رو احساس کنم، چه اتفاقی میفته.
- 119 So I've been chilling with the normal kids.
واسه همین من با بچه های معمولی وقت می گذروندم.
- 120 I know it's short notice, but would you join me at the palace for a consultation later on today?
می دونم که زمان کوتاهی، اما می تونی لطفا امروز تو کاخ برای مشاوره به من ملحق بشی؟

درس ۹ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

121

122

123

124

125

126

127

128

129

130

131

132

133

134

135

درس ۹

- 121 Who invited you? No one even knows who you are!
کی تو رو دعوت کرده؟ هیچکس حتی نمیدونه تو کی هستی!
- 122 Now she knows what it's like to be a minority.
حالا اون میدونه جز اقلیت بودن چه احساسی داره.
- 123 Do you want to form an alliance with me?
می خوای با من متحد بشی؟
- 124 Do you understand what's at stake?
تو می فهمی که چی تو خطر؟
- 125 Your deeds are your monuments.
اعمال شما یادگار شماست.
- 126 There are millions of young conservatives in this country.
میلیون ها جوان محافظه کار تو این کشور وجود داره.
- 127 I refuse to be replaceable.
من قابل تعویض بودن رو رد کردم.
- 128 If you could be one person besides yourself, who would you be?
اگه می تونستی یه نفر غیر از خودت باشی، کی بودی؟
- 129 Oh, 40% of our visitors don't go past the homepage.
اوه، ۴۰ درصد از بازدیدکنندگان ما، صفحه ی اصلی رو نمی خونن.
- 130 That's pretty cool of you to do this.
خیلی خوبه که این کارو می کنی.
- 131 I couldn't agree more. I find that surprising.
کاملا موافقم. به نظرم تعجب آورده.
- 132 You will find me a respectful, quiet, passive observer of the truth.
شما مرا یک ناظر محترم، ساکت و منفعل نسبت به حقیقت می بینین.
- 133 He taught me that you don't have to climb a mountain to stand on top of the world.
بهم یاد داد که برای ایستادن بر فراز دنیا لازم نیست از یه کوه بالا بری.
- 134 All of the Heroics have been called into action against the alien threat.
همه ی اعضا گروه قهرمانان در برابر تهدید بیگانه ها فرا خوانده شدن.
- 135 Stacy, I think we were destined to run into each other. Don't you?
استیسی، فکر می کنم مقدر بود که با هم رو به رو بشیم. اینطور نیست؟

درس ۱۰ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

136

137

138

139

140

141

142

143

144

145

146

147

148

149

150

درس ۱۰

- 136 So, you threw all these parties for me?
خب، تو همه ی این مهمونی ها رو برای من گرفتی؟
- 137 I am going to go with the one with the acupuncture.
من میخوام اونى که طب سوزنى داره رو انتخاب کنم.
- 138 Let's keep this alliance totally a secret.
بیا این اتحاد رو کاملاً سری نگه داریم.
- 139 You jeopardized the future of our pride.
تو آینده ی گله ی رو به خطر انداختی.
- 140 I think it means that the things we do are the things that matter most.
من فکر می کنم یعنی اینکه کارهایی که ما انجام میدیم چیزهایی هستند که بیشترین اهمیت رو دارن.
- 141 So you can help me get the same promotion.
تا کمک کنی همون ترفیع رو بگیرم.
- 142 She knew it was coming and she had a plan.
می دونست قراره اتفاق بیفته و براش برنامه داشت.
- 143 So, kids, I just got off the phone with your mom.
خب بچه ها من همین الان تلفنی با مامانتون صحبت کردم.
- 144 Because you have to set the tone.
چون باید لحن رو تنظیم کنی.
- 145 Love that there's another oldie but goodie here.
خوشحالم که یه آدم پیر دیگه ولی خوبش اینجاست.
- 146 I can offer my assistance in this area. I would love to, actually.
من می تونم کمک خودمو تو این زمینه ارائه بدم. در واقع خیلی دوست دارم.
- 147 Linda really likes her work ethic.
لیندا واقعاً اخلاق کاریش رو دوست داره.
- 148 The most important thing about being a princess is caring about other people. And if you do that, then you're a princess in your heart.
مهمترین چیز در مورد پرنسس بودن توجه کردن به دیگرانه و اگه این کار رو انجام بدی، پس تو قلبت تو یه شاهزاده خانم هستی.
- 149 We're getting some live footage now.
حالا داریم چند فیلم زنده دریافت می کنیم.
- 150 I do need a favor, but it has nothing to do with baked goods.
من به یه لطف نیاز دارم، اما ربطی به پختن و این چیزا نداره.

درس ۱۱ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

151

152

153

154

155

156

157

158

159

160

161

162

163

164

165

درس ۱۱

- 151 She knows no one you know, and you will never see her again.
اون کسی رو که تو میشناسی نمیشناسه و دیگه هیچوقت هم نمیبینیش.
- 152 Robin seems great, but let's look at the facts. You want to get married.
رابین عالی به نظر می رسه، اما بیا به واقعیت ها نگاه کنیم. تو میخوای ازدواج کنی.
- 153 I do believe in that part of the pledge that I just read.
من به اون بخش از تعهدی که تازه خوندم اعتقاد دارم.
- 154 Well, look who's come down to mingle with the commoners.
خب، ببینید کی اومده اینجا تا با آدمای عادی قاطی بشه.
- 155 I know I'm not an ordinary 10-year-old kid.
می دونم که من یه بچه ی معمولی ۱۰ ساله نیستم.
- 156 Here's the one thing you probably know about me.
این تنها چیزیه که احتمالاً در مورد من می دونی.
- 157 Hey, I want you to feel comfortable telling me anything.
هی، می خوام باهام راحت باشی و هر چیزی بهم بگی.
- 158 Freud said, "Love and work. Work and love. That's all there is."
فروید گفت: "عشق بورز و کار کن. کار کن و عشق بورز. تموم چیزی که وجود داره همینه."
- 159 Okay, well, I stood in the back, and I watched you show the workers how to fold and box the clothes.
باشه، خب، من عقب ایستادم و دیدم که به کارگرا نشون میدی که چطور لباس ها رو تا کنن و تو جعبه بزارن.
- 160 I'm assuming this will all be wrapped up before the memorial tonight.
فکر کنم همه چی قبل از مراسم یادبود امشب تموم بشه.
- 161 The thought of you stays bright. Sometimes I stand in the middle of the floor.
فکر تو درخشان می ماند. گاهی وسط زمین می ایستم.
- 162 Your mother and I know that today couldn't have been easy.
من و مادرت می دونیم که امروز نمی تونست آسون باشه.
- 163 It just blasted some kind of energy ray at me.
فقط نوعی پرتو انرژی رو به سمتم منفجر کرد.
- 164 The aliens didn't allow much time for me to give you this message. It's about your children. They've disappeared from headquarters.
بیگانه ها فرصت زیادی به من ندادن تا این پیام رو بهتون بدم. درمورد بچه هاتونه. اونا از مقر فرماندهی ناپدید شدن.
- 165 Well, then I'm counting on you to spread the word.
خب، پس من روی شما حساب می کنم که این خبر رو پخش کنین.

درس ۱۲ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

166

167

168

169

170

171

172

173

174

175

176

177

178

179

180

درس ۱۲

- 166 What are you doing to me, man?! I got a paper to write!
داری با من چیکار میکنی، مرد؟! من باید یه مقاله بنویسم.
- 167 And right now, there's a million women in New York looking for exactly you.
و در حال حاضر، یک میلیون زن در نیویورک هستند که دقیقاً دنبال یکی مثل تو میگردند.
- 168 No one will be prouder than I am.
هیچکی به اندازه من به این قضیه افتخار نمیکنه.
- 169 Must've slipped my mind.
باید یادم رفته باشه.
- 170 They've helped me to breathe, to see, to hear without a hearing aid.
اونا به من کمک کردن تا نفس بکشم، ببینم، بدون سمعک بشنوم.
- 171 So it is important that we fight back against this kind of bullying.
پس مهمه که با این نوع قلدربازی مقابله کنیم. (بجنگیم)
- 172 Unfortunately, we only have our suites left.
متاسفانه فقط سوئیت هایمان باقی موندن.
- 173 As you can imagine, that's given me some time on my hands.
همونطور که می تونید تصور کنید، این به من زمان زیادی داده.
- 174 I knew then that was why Atf was a success.
اون موقع بود که فهمیدم چرا "آتف" موفقه.
- 175 Would you say that all three of you showed up around the same time?
داری میگی که هر سه تاتون تو یه زمان اومدین؟
- 176 I still think this is a bad idea, but the family is assembled.
من هنوز فکر می کنم این ایده بدیه، اما خانواده جمع شدن.
- 177 How much longer are you gonna act like this?
تا کی میخوای اینجوری رفتار کنی؟
- 178 I'm actually putting real thought into what I'm gonna wear.
من خیلی دقیق داشتم به اینکه چی قراره بپوشم فکر می کردم.
- 179 They'll be completely helpless without us.
اونا بدون ما کاملاً درمانده خواهند شد.
- 180 It's not good to stay at home at Christmas alone and feel sorry for yourself.
این خوب نیست که تو کریسمس تنها تو خونه بمونی و برای خودت متاسف باشی.

درس ۱۳ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

181

182

183

184

185

186

187

188

189

190

191

192

193

194

195

درس ۱۳

- 181 Now, the kid has got to get to work, and the kid is not to be disturbed.
حالا، این بچه باید بره سر کار و قرار نیست کسی مزاحمش بشه.
- 182 I was thinking that it might be a good idea if you and I formed an alliance.
داشتم فکر می کردم که ایده ی خوبیه اگر من و شما متحد بشیم.
- 183 I'm using her, for the alliance.
دارم بخاطر اتحادمون ازش استفاده می کنم.
- 184 He slammed his head into trees, and our beaks aren't built for it.
اون سرش رو به درختا کوبید و در حالیکه منقار ما برای اینکار ساخته نشده.
- 185 They can help guide us when we have to make decisions about really important things.
آنها می توانند به ما در هنگام تصمیم گیری در مورد موارد بسیار مهم کمک کنند.
- 186 Bullying is people with more power hitting people with less.
قلدری این است که افراد با قدرت بیشتر به افراد با قدرت کمتر ضربه بزنند.
- 187 So, what do the people do with these sheep?
پس مردم با این گوسفندان چیکار می کنن؟
- 188 At first, I admit I enjoyed the novelty of it. Sort of felt like I was playing hooky.
اولش، اعتراف می کنم که از تازگیش لذت بردم. یه جورایی حس میکردم دارم قلاب بازی میکنم.
- 189 Someone may come in with more experience than you, but they're never gonna know what you know.
ممکنه یه نفر با تجربه ای بیشتر از تو بیاد، اما هیچوقت چیزی که تو می دونی رو نمی دونه.
- 190 Wow, seems like all his kids are self-made overachievers.
وای، به نظر میرسه که همه بچه هاش موفق هستن.
- 191 She basically told me where it was. Anyways, this will tie everything up. And I just handed it to you.
او اساساً بهم گفت کجاست. به هر حال این همه چیزو به هم وصل می کنه. و من اونو به شما دادم.
- 192 He feels pretty strongly about participation.
اون برای همکاری شدن خیلی مصره.
- 193 We've never dealt with anything like this before.
ما قبلاً هیچوقت با همچین چیزی برخورد نداشتیم.
- 194 You didn't expect to get it on the first try, did you?
انتظار نداشتی که تو اولین تلاشت بدستش بیاری، نه؟
- 195 Christmas sure is a magical time of year, wouldn't you say?
مطمئناً کریسمس یک زمان جادویی از ساله، نه؟

درس ۱۴ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

196

197

198

199

200

201

202

203

204

205

206

207

208

209

210

درس ۱۴

- 196 You don't have to be cruel.
ولی مجبور نیستی بی رحم باشی.
- 197 My nephew is involved with, um, a charity for cerebral palsy.
پسر خواهر من درگیر یه موسسه ی خیریه ی مرگ مغزی شده.
- 198 I will use your talents come baseball season, my friend.
من از استعدادهای تو در فصل بیس بال پیش رو استفاده می کنم، دوست من.
- 199 You said I could patrol with you today.
گفتی امروز می تونم باهات گشت بزنم.
- 200 You just have to say that because you're my Mom.
تو مجبوری اینو بهم بگی چون مادرم هستی.
- 201 He's a perpetual outrage machine.
اون یه ماشین خشم همیشگیه.
- 202 That really bothered you that I went to lunch with that guy.
واقعا اذیتت کرد که با اون مرده رفتم نهار.
- 203 Can't explain it, but it makes me feel part of something.
نمی تونم دقیق توضیح بدم، ولی باعث میشه حس کنم بخشی از یه چیزی هستم.
- 204 Not many people do. This big, beautiful, exciting thing that you created. It's a dream, isn't it?
افراد زیادی این کار رو نمی کنن. این چیز بزرگ، زیبا، هیجان انگیزی که تو خلق کردی. این یه رویاست، اینطور نیست؟
- 205 I'm here at the behest of a client.
من به دستور یه موکل اینجام.
- 206 Well, to be fair, you make a pretty lousy murderer. Perhaps we deserve each other.
خب، اگه منصفانه بخوام بگم، تو هم یه قاتل دست و پاچلفتی هستی. شاید ما لایق همدیگه ایم.
- 207 Did you look into that support group I told you to check out?
به اون گروه پشتیبانی که بهت گفتم یه نگاهی انداختی؟
- 208 Call the president. He's the only one that can authorize a full Heroic attack.
به رئیس جمهور زنگ بزن. اون تنها کسیه که می تونه اجازه ی یه حمله ی کامل با قهرمانا رو بده.
- 209 She's right. Our parents always have huge brawls in the middle of the most populated cities.
حق با اونه. والدین ما همیشه وسط پرجمعیت ترین شهرها داد و بیداد می کردن.
- 210 I will be competing at a baking contest in Belgravia.
من تو یه مسابقه نانوائی در بلگراویا شرکت می کنم.

درس ۱۵ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

211

212

213

214

215

216

217

218

219

220

221

222

223

224

225

درس ۱۵

- 211 It's a game. I got to just keep playing it.
این یه بازیه. باید به بازی کردن ادامه بدم.
- 212 He's downstairs, in a box, on the floor, near the shelves.
اون طبقه ی پایینه، تو جعبه، روی زمین، نزدیک قفسه ها.
- 213 I usually don't allow solicitors in the office.
من معمولاً به وکلا اجازه نمیدم تو دفتر باشن.
- 214 But I thought a king could do whatever he wants.
اما من فکر می کردم یه پادشاه می تونه هر کاری که می خواد انجام بده.
- 215 I never needed my dad to remind me to study for a test.
من هرگز نیازی نداشتم که پدرم به من یادآوری کنه که برای یه امتحان درس بخونم.
- 216 Trump's lit the torches.
ترامپ مشعل ها رو روشن کرد.
- 217 Can I see that statement again, Bill?
می تونم دوباره اون بیانیه رو ببینم، بیل؟
- 218 And you guys are gonna have plenty of time to spend with your dad tomorrow.
و شما بچه ها فردا زمان زیادی برای گذروندن با پدرتون دارین.
- 219 How do I spend the rest of my days? You name it.
بقیه روزهام رو چطور بگذرونم؟ شما بگید.
- 220 I don't see how that adds up.
نمی فهمم چه ربطی به هم دارن.
- 221 I have to express my admiration for how you followed in your father's footsteps.
باید تو رو بخاطر اینکه راه پدرتو ادامه دادی، تحسین کنم.
- 222 You've always been good to me. And what I'm about to say isn't gonna be easy and you're gonna be upset.
تو همیشه با من خوب بودی و چیزی که من می خوام بگم آسون نیست و تو ناراحت میشی.
- 223 They'll need all the help they can get, and you know it.
اونا به تمام کمکی که می تونن دریافت کنن نیاز دارن و تو اینو می دونی.
- 224 That's why they were able to pick out our parents so easily.
به همین دلیل که اونا به راحتی تونستن والدین ما رو شناسایی کنن.
- 225 Maybe you and I can watch some more of the ballet.
شاید من و تو بتونیم بیشتر باله تماشا کنیم.

درس ۱۶ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

226

227

228

229

230

231

232

233

234

235

236

237

238

239

240

درس ۱۶

- 226 There's something here, look, unless I'm crazy.
یه چیزی بین ما هست، ببین، مگه اینکه دیوونه باشم.
- 227 I need somebody to come in and take over the holiday and weekend work calendar.
من نیاز دارم کسی بیاد و تقویم کاری تعطیلات و آخر هفته رو بر عهده بگیره.
- 228 Well, let's put them in the hallway.
خب، اجازه بدین اونا رو تو راهرو بذاریم.
- 229 While others search for what they can take, a true king searches for what he can give.
در حالی که دیگران به دنبال آنچه می توانند بگیرن هستن.. یه پادشاه واقعی به دنبال چیزیه که می تونه به بقیه عرضه کنه.
- 230 I wish I'd never gone to school in the first place.
کاشکی هیچ وقت از همون اول نمی رفتم مدرسه.
- 231 Reassuring her of all the fun we have together.
در مورد همه ی تفریحاتی که با هم داریم، بهش اطمینان میدم.
- 232 The only traveling I do these days is out to San Diego to visit my son and his family.
تنها جایی که این روزا سفر می کنم، به سن دیگو برای دیدن پسر و خانواده شه.
- 233 You should feel nothing but great about what you've done.
به جز یه احساس شگفت انگیز در مورد کاری که کردی هیچ حس دیگه ای نباید داشته باشی.
- 234 Walt doesn't run shit. Because there are no TV and film rights.
والت هیچ گهی رو اداره نمی کنه. چون حق پخش فیلم و تلویزیون وجود نداره.
- 235 But I thought after what you've gone through the last few days, that you deserved to hear it from me.
اما من فکر کردم بعد از آنچه که در چند روز گذشته از سر گذرانده اید، لیاقت شنیدن آن را از من دارید.
- 236 So you can say whatever you want about anything that's bothering you.
بنابراین می تونی در مورد هر چیزیکه آزارت میده، هر چی می خوای بگی.
- 237 I swear not to drive faster than 30 miles per hour through town or 50 on the interstate.
قسم می خورم که بیشتر از ۳۰ مایل در ساعت تو شهر یا ۵۰ مایل بین ایالتا رانندگی نکنم.
- 238 So I'm Miss Granada, director of the Heroics program.
خب من خانم گرانا، مدیر برنامه ی قهرمانان هستم.
- 239 Because they were easy to spot. We have to blend in.
چون به راحتی قابل تشخیص بودن. ما باید با هم یکی بشیم.
- 240 Meet you back at the cottage in an hour. Deal?
یه ساعت دیگه به کلبه می رسیم. ردیفه؟

درس ۱۷ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

241

242

243

244

245

246

247

248

249

250

251

252

253

254

255

درس ۱۷

- 241 As a doctor, you would not tell a patient if they had cancer.
به عنوان یک دکتر، اگر بیمار شما سرطان داره، نباید بهش بگید.
- 242 Of course, if you beat us, you're fired.
البته اگر ما رو شکست بدین، اخراج میشید.
- 243 Whatever you need, I'm right on the other side of this wall.
هر چیزی که نیاز داشتی، من درست اون طرف این دیوارم.
- 244 Everything you see exists together in a delicate balance.
هر چی که اینجا می بینی و وجود داره با هم در یک تعادل حساس قرار دارن.
- 245 And I wanted him to know that the world was bigger than his room.
و می خواستم او بدونه که دنیا بزرگتر از اتاقشه.
- 246 I gotta say, I can't stand your show.
باید بگم، نمیتونم برنامه شما رو تحمل کنم.
- 247 Okay. No one's supposed to crap as much as you do.
باشه. کسی قرار نیست به اندازه تو خراب کاری کنه.
- 248 But to be honest, I think I probably relied on them way more than I should.
اما صادقانه بگم، فکر کنم احتمالاً بیش از اونچه که باید روشن حساب کردم.
- 249 And I'd hate to see you let anyone take that away from you.
و متنفرم که ببینم اجازه بدی کسی همچین چیزی رو ازت بگیره.
- 250 Harlan never allowed any adaptations of his books.
هارلن هرگز اجازه ی اقتباس از کتاب هاش رو نداد.
- 251 It is an immovable fact that I killed Harlan.
این یک واقعیت غیر قابل تغییر که من هارلن رو کشتم.
- 252 When I woke up in the hospital, my mom told me she was gone. And that was it.
وقتی تو بیمارستان از خواب بیدار شدم، مادرم به من گفت که مرده. و همین بود.
- 253 We can't afford to have even one of you fall into enemy hands.
نمی تونیم اجازه بدیم که حتی یکی از شما به دست دشمن بیفته.
- 254 Okay, everyone, Missy and I figured out a way for us to do this.
خب، همگی، میسی و من یه راهی برای انجام این کار پیدا کردیم.
- 255 So, you wouldn't have to deal with him at all.
پس شما اصلاً مجبور نیستید باهاش سروکار داشته باشین.

درس ۱۸ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

256

257

258

259

260

261

262

263

264

265

266

267

268

269

270

درس ۱۸ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

- 256 And I never actually talked to corporate about it.
و در واقع من هرگز در این باره با شرکت صحبت نکردم.
- 257 Decisiveness! One of the keys to success, according to Small Businessman.
قاطعیت! به گفته ی تاجر کوچک، یکی از کلیدهای موفقیت.
- 258 If you need anything else, something to make you more comfortable, Just don't hesitate to ask.
اگر به چیز دیگری نیاز دارید، چیزی که به شما احساس راحتی بیشتری بده، بدون تردید از ما بخواید.
- 259 As king, you need to understand that balance, and respect all the creatures.
به عنوان پادشاه، تو باید این تعادل رو درک کنی و به همه موجودات احترام بذاری.
- 260 Your partner will be your tablemate.
شریک زندگی شما همراhton هستند.
- 261 Who are you stalking?
داری کیو تعقیب می کنی؟
- 262 Don't worry. We never have fun with our real dad either.
نگران نباش. ما هیچوقت با پدر واقعی مون هم خوش نمی گذرونیم.
- 263 We look forward to meeting you.
در آرزوی دیدار شما هستیم.
- 264 I guess you came over here because you wanted to hear some of this.
فکر کنم اومدی اینجا چون می خواستی بعضی از این چیزا رو بشنوی.
- 265 Cause Walt was like a wounded puppy the rest of the night.
چون والت بقیه ی شب مثل یه توله سگ زخمی بود.
- 266 The person must have known the contents of the will.
اون شخص باید مفاد وصیت نامه رو می دونسته.
- 267 He just gets in this mood sometimes, and it's hard, you know?
اون فقط گاهی اوقات میره تو خودش و سخته، می دونی؟
- 268 Why would they put a kid with superpowers in with normal kids?
چرا یه بچه با قدرت های فوق العاده رو کنار بچه های عادی قرار دادن؟
- 269 I guess I know how hard it feels when everyone expects so much from you, and you feel like you can't deliver.
فکر کنم که می دونم که چقدر سخته وقتی همه از تو انتظار زیادی دارند، و تو احساس می کنی نمی تونی انتظارشونو برآورده کنی.
- 270 My parents taught me that marriage is about duty, about alliances between nations.
پدر و مادرم به من یاد دادند که ازدواج به وظیفه است، در مورد اتحاد بین ملت ها.

درس ۱۹ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

271

272

273

274

275

276

277

278

279

280

281

282

283

284

285

درس ۱۹

- 271 All you need are honesty, empathy, respect, and open-mindedness.
تنها چیزی که نیاز دارید صداقت، همدلی، احترام و پذیرش نظر دیگرانه.
- 272 Are you jealous 'cause there's another girl around?
حسودیت میشه؟ چون یه دختر دیگه این اطرافه که داره حسودی می کنه؟
- 273 She asked me for a ride, and so I'm going to give her a ride home.
او ازم خواست که برسونمش و منم قصد دارم برسونمش خونه.
- 274 I patrolled the entire kingdom this morning with my dad.
من صبح امروز با پدرم تو سراسر پادشاهی گشت زدم.
- 275 one thing I've learned in 20 years in education is that there are two sides to every story.
چیزی که من در طول ۲۰ سال در سیستم آموزشی یاد گرفتم اینه که هر داستانی دو جنبه داره.
- 276 All audiences want is authenticity.
تمام چیزی که مخاطبان می خوان اصالته.
- 277 So, Danny's birthday is next week, and I have no idea what to get him.
خب، تولد دنی هفته ی دیگست و من نمی دونم چی براش بگیرم.
- 278 You know that was over five months ago?
میدونی که بیشتر از پنج ماه پیش بود؟
- 279 It's Moments like this when you need someone you know you can count on. So thank you.
لحظاتی مثل اینه که به کسی نیاز داری و می دونی که می تونی روش حساب کنی. پس ممنون.
- 280 I'm just trying to get an accurate impression.
من فقط سعی می کنم یه برداشت دقیق داشته باشم.
- 281 If the intent was to reverse Marta's inheritance, they must have known that Marta was responsible.
اگه قصد برگردوندن ارث از مارتا رو داشتن باید می دونستن که مارتا مسئول بوده.
- 282 He's not easy, and everybody who gets close to him gets burned out.
کنار اومدن باهاش راحت نیست، و هر کسی که بهش نزدیک بشه، می سوزه.
- 283 It's almost unimaginable, but two of our heroes have been captured by the intruders.
تقریبا غیرقابل تصویره اما دو تا از قهرمانامون توسط مهاجمان دستگیر شدن.
- 284 Am I just really small, or is this ship really big?
من خیلی کوچیکم یا این کشتی خیلی بزرگه؟
- 285 Edward and I met twice before we were engaged. It's not that he's unpleasant. He's just very formal.
من و ادوارد قبل از نامزدی دو بار همو دیدیم. نه اینکه خوب نیست. فقط خیلی رسمیه.

درس ۲۰ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

286

287

288

289

290

291

292

293

294

295

296

297

298

299

300

درس ۲۰

- 286 We both know that I am here because of the comments that you made.
ما هر دو می دانیم که من به خاطر نظراتی که شما مطرح کردید اینجا هستم.
- 287 It's a drug-- it is quite literally a drug that speeds people up.
این یک دارو ه- این به معنای واقعی کلمه یک دارو که سرعت افراد رو بیشتر میکنه.
- 288 I am your inferior, and I'm asking you this favor.
من زیردست تو هستم و این لطف رو ازت می خوام.
- 289 We have an imminent threat.
ما یک تهدید قریب الوقوع داریم.
- 290 What are they saying down there?
اونا پایین چی دارن میگن؟
- 291 A liberal is somebody who wants to live in a future that he is too lazy or too arrogant to actually create.
لیبرال کسیه که می خواد تو آینده ای زندگی کنه که برای خلق اون خیلی تنبل یا متکبره.
- 292 Would you just put her on the phone?
میشه بگی بیاد پای تلفن؟
- 293 You're awful cute, you know that?
تو خیلی نازی، اینو میدونی؟
- 294 Please? Just do what feels right for you.
لطفا. فقط کاری رو انجام بده که احساس می کنی درسته.
- 295 Harlan took you aside at the party. When you returned, you were chastened.
هارلن تو مهمونی بردت یه گوشه. وقتی برگشتی، از این رو به اون رو شده بودی.
- 296 She was blackmailing me. She knew what I did.
او داشت از من اخاذی می کرد. او می دونست که من چی کار کردم.
- 297 He thinks everybody leaves him and I won't do that. This is what we do.
او فکر می کنه همه ترکش می کنن و من این کار رو نمی کنم. این کاریه که ما انجام میدیم.
- 298 People of America, as you have witnessed, the Heroics have been captured.
مردم آمریکا همانطور که شاهد بودید قهرمانان اسیر شدند.
- 299 My teeth are strong because my dad's a shark.
دندونام محکم هستن چون بابام یه کوسه است.
- 300 Does he happen to have one of those fancy limousines?
اون یکی از اون لیموزینای رویایی داره؟

درس ۲۱ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

301

302

303

304

305

306

307

308

309

310

311

312

313

314

315

درس ۲۱

- 301 I need to give my cat up for adoption.
من باید گربه ام رو برای سرپرستی به یکی دیگه بدم.
- 302 They should really tell you that more specifically.
اونا واقعاً باید دقیق تر اینو به شما بگن.
- 303 I'm afraid you'll be a pretty pathetic king.
می ترسم که تو پادشاهی رقت انگیز باشی.
- 304 Give me one good reason why I shouldn't rip you apart.
یه دلیل خوب برام بیار که چرا نباید تیکه تیکت کنم.
- 305 I don't wanna see it become some damn political football.
نمی خوام ببینم که به یه فوتبال سیاسی لعنتی تبدیل میشه.
- 306 You look each other in the eyes and you say what you love about the other.
به چشمهای همدیگه نگاه می کنین و میگین عاشق چی همدیگه این.
- 307 So here I am, applying to be one of your interns.
پس من اینجا ام و دارم برای اینکه یکی از کارآموزای شما باشم، درخواست میدم.
- 308 It was nice to have an adult conversation with an adult man.
داشتن یه مکالمه ی بزرگونه با یه مرد بالغ خوب بود.
- 309 Okay, maybe check the delivery cost on those boots?
خب، شاید بهتره هزینه ی تحویل اون چکمه ها را بررسی کنی؟
- 310 And this is not how I wanted to have this conversation.
و این اون مکالمه ای نبود که می خواستم داشته باشیم.
- 311 But Phyllis's office that handles your yearly allowance has been wiring tuition monies directly to you as well.
اما دفتر فیلیس که کمک هزینه ی سالانه ی شما رو مدیریت می کنه، هزینه شهریه رو هم مستقیماً براتون ارسال کرده.
- 312 I know you just ate a full plate of baked beans and sausage.
من می دونم که تو فقط یه بشقاب کامل لوبیا پخته و سوسیس خوردی.
- 313 I'm gonna get mad, he's gonna come back and apologize, and it'll be like it never even happened.
من عصبانی میشم، او ن برمی گرده و عذرخواهی می کنه، و طوری رفتار می کنیم که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده.
- 314 We're safer in here than running around outside with you playing captain.
اینجا برامون امن تر از بیرونیه که تو برامون نقش کاپیتان رو بازی کنی.
- 315 Look, the only thing on my schedule is breakfast with the King and Queen. You can spend the rest of your time relaxing right here.
ببین، تنها چیزی که تو برنامه ی منه صرف صبحونه با پادشاه و ملکست. تو می تونی بقیه ی زمان خودت رو اینجا استراحت کنی.

درس ۲۲ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

316

317

318

319

320

321

322

323

324

325

326

327

328

329

330

درس ۲۲

- 316 For any interested candidates, I will be conducting 20-minute interviews.
برای هر داوطلب علاقمند، به مصاحبه ۲۰ دقیقه‌ای ترتیب میدهم.
- 317 This cleaver appears to need sharpening.
به نظر میرسد این ساتور به تیز شدن نیاز دارد.
- 318 Hyenas and lions have been at war since the beginning of time.
کفتارها و شیرها از آغاز زمان در جنگ بوده‌اند.
- 319 If you wanna get him, you have to get through us.
اگر می‌خواهی به اون برسی، باید از ما رد بشی.
- 320 In that spirit, I need to ask, will an investigation find anything, well, uncomfortable?
با این روحیه، باید بپرسم، آیا تو به تحقیق چیزی، خب، ناراحت کننده‌ای پیدا میشه؟
- 321 I think it's so adorable how obsessed you are with this guy.
فکر می‌کنم خیلی قابل ستایشه که چقدر درگیر این آدمی.
- 322 I'm loyal, I'm trustworthy, and I'm good in a crisis.
من وفادارم. قابل اعتمادم و تو شرایط بحرانی خوب عمل می‌کنم.
- 323 Um, you know the best way to get back to headquarters?
اوم، بهترین راه برگشت به مقر فرماندهی رو بلدی؟
- 324 Okay. It's essential That your generation doesn't know that is criminal.
باشه. این خیلی مهمه که نسل شما ندونه که این خودش یه جنایته.
- 325 You're right, It's unfair of me to keep you tethered to something that isn't yours to control.
حق با شماست. بی انصافیه که چیزی که کنترلت دست شما نیست رو گردنتون بندازم.
- 326 And you're paid a flat rate for how many hours a week?
و برای چند ساعت در هفته به نرخ ثابت به شما پرداخت میشه؟
- 327 So... Look me in the eye and tell me what happened to my grandfather.
پس... تو چشمام نگاه کن و بگو چه بلایی سر پدربزرگم اومده.
- 328 I don't know. I feel like I keep messing things up, and I'm not sure I know how to not do that.
نمی‌دونم. احساس می‌کنم که مدام کارها رو به هم می‌زنم، و مطمئن نیستم که بدونم چطور اون کار رو انجام ندم.
- 329 I just want to get out of here. If anybody wants to join me, you're free to follow.
من فقط می‌خوام از اینجا برم. اگه کسی می‌خواد به من ملحق بشه، آزادید.
- 330 We would switch back at midnight the night before.
نیمه شب قبلش برمی‌گردیم سر جای خودمون.

درس ۲۳ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

331

332

333

334

335

336

337

338

339

340

341

342

343

344

345

درس ۲۳

- 331 My ideal situation would be an independently wealthy cute couple.
شرایط ایده آل من یک زوج ناز مستقل و ثروتمنده.
- 332 You can become a person who chops off people's hands.
تو می توانی فردی بشی که دست مردم رو قطع می کنه.
- 333 You deliberately disobeyed me.
تو عمدتاً از من اطاعت نکردی.
- 334 Maybe if we knew what other people were thinking we'd know that no one's ordinary.
شاید اگه می دونستیم بقیه چه فکری می کنن، می فهمیدیم که هیچ کس عادی نیست.
- 335 Everybody on my shows knows the meaning of decency, and I do mean everybody.
همه تو برنامه های من معنای نجابت رو می دونن و منظور من همست.
- 336 He's always glowing when you're around.
همیشه وقتی کنارشی، پرارژی و شاده.
- 337 They stop when there's no more music in them.
وقتی دیگه موسیقی ای درونشون نباشه، متوقف میشن.
- 338 Not the word I would use, but I was a little surprised when I got the call.
کلمه ی مناسبی برای استفاده کردن نیست، ولی وقتی تماس گرفتم، کمی تعجب کردم.
- 339 Ben, can you pour me more syrup, please?
بن، میشه لطفا شربت بیشتری برام بریزی؟
- 340 All these years, I've kept you from building something of your own that was yours.
در تمام این سالها، من تو رو از ساختن چیزی که مال تو بود، باز داشتم.
- 341 Does having a kind heart make you a good nurse?
آیا داشتن یه قلب مهربان از شما پرستار خوبی میسازه؟
- 342 I don't know how many times I can repeat the same two pieces of information.
نمی دونم چند بار می تونم همون دو بخش از اطلاعات رو تکرار کنم.
- 343 I don't know. Who cares? Dude, he's someone else's problem. Why are you asking me about Dad?
من نمی دونم. کی اهمیت میده؟ رفیق، اون مشکل یکی دیگست. چرا از من درباره ی بابات می پرسی؟
- 344 I figure this is kind of like making an omelet.
فکر کنم مثل درست کردن املتته.
- 345 I trust the accommodations are to your liking.
مطمئنم که اقامتگاه ها مطابق میل شما هستند.

درس ۲۴ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

346

347

348

349

350

351

352

353

354

355

356

357

358

359

360

درس ۲۴

- 346 I wanted to talk to you about our working relationship this year.
می خواستم در مورد رابطه کاری امسالمون با شما صحبت کنم.
- 347 Afghan president Hamid Karzai declared a new policy of dollar days throughout the country.
حامد کرزی، رئیس جمهور افغانستان، سیاست جدیدی را در مورد دلار در سراسر کشور اعلام کرد.
- 348 The great kings of the past, look down on us from those stars.
پادشاهان بزرگ گذشته، از اون ستاره ها به ما نگاه می کنن.
- 349 And we all deserve a standing ovation at least once in our lives.
و همه ی ما حداقل یه بار تو زندگی سزاوار تشویق هستیم.
- 350 I defy you to find any evidence that a single part of what these women are saying is true.
من شما رو به پیدا کردن هر مدرکی که حرف های هر کدوم از این زنها رو تایید می کنه، تشویق می کنم.
- 351 Really, I would never have guessed this. I mean, you two had a real connection.
واقعاً، هیچوقت همچین حدسی نمی زدم. منظورم اینه که شما دو تا یه رابطه ی واقعی داشتید.
- 352 I received an e-mail about an interview for the senior intern program.
من یه ایمیل در مورد مصاحبه برای برنامه ی کارآموزی ارشد دریافت کردم.
- 353 The truth is, Something about you makes me feel calm or more centered or something, and I could use that.
حقیقت اینه که، چیزی در مورد تو باعث میشه که احساس آرامش یا تمرکز بیشتری داشته باشم یا یه چیزی دیگه و می تونم ازش استفاده کنم.
- 354 Well, we just found out he's beyond interested.
خب، ما تازه متوجه شدیم که اون بیش از حد علاقه منده.
- 355 But you're not going to be running the publishing house anymore.
اما تو دیگه قرار نیست انتشارات رو اداره کنی.
- 356 We were just discussing possible motives in the family.
ما فقط در مورد انگیزه های احتمالی خانواده بحث می کردیم.
- 357 The slayer rule obviously doesn't apply here.
بدیهه که قانون قاتل اینجا اعمال نمیشه.
- 358 You two have been a lot of places. Is there any place else he might go?
شما دو تا جاهای زیادی رفتین. جایی هست که ممکنه رفته باشه؟
- 359 So don't ask us how we know this, but aliens are about to attack.
پس از ما نپرس که چطوری اینو می دونیم، اما حمله ی بیگانه ها نزدیکه.
- 360 But I don't want to keep you from Spain.
اما نمی خوام مانع رفتنت به اسپانیا بشم.

درس ۲۵ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

361

362

363

364

365

366

367

368

369

370

371

372

373

374

375

درس ۲۵

- 361 Have you taken any concrete steps?
آیا اقدامات مشخصی در این راستا انجام دادید؟
- 362 The victim was released from the hospital with second-degree burns.
قربانی با سوختگی درجه دو از بیمارستان مرخص شد.
- 363 I think I know a way for you to make it up to him.
فکر می‌کنم یه راهی رو بدم که از دلش در بیاری.
- 364 My dad does for always making us laugh.
پدرم این کار رو می‌کنه چون همیشه ما رو می‌خندونه.
- 365 He asked me to encourage women who have claims to come forward.
ازم خواست تا زنایی رو که ادعایی دارن، تشویق کنم تا جلو بیان.
- 366 It's nice to tell the truth. That's good. The truth is fun, isn't it?
خوبه که حقیقتو بگی. خوبه. حقیقت باحاله، مگه نه؟
- 367 Okay, you guys have to remember, the homepage has to read in a glance.
خب، شما بچه‌ها باید یادتون باشه، صفحه اصلی باید سریع خونده بشه.
- 368 I hope you'll accept my apology and come back to work for me.
امیدوارم عذرخواهی منو قبول کنی و برگردی تا برای من کار کنی.
- 369 The only day he can meet is next Thursday.
تنها روزی هم که می‌تونه، پنجشنبه ی آیندست.
- 370 We'll talk details tomorrow. My mind's made up.
فردا درباره ی جزئیات صحبت می‌کنیم. من تصمیمم رو گرفتم.
- 371 You have a regurgitative reaction.
تو یه واکنش برگشتی داری.
- 372 Well, it's if someone is convicted of killing the person, they don't get their inheritance.
خب، اگه کسی به قتل شخصی محکوم بشه، چیزی به ارث نمی‌بره.
- 373 He dreamt of all the beauty in the world, and he made it come to life.
رویای تمام زیبایی‌های دنیا رو می‌دید و اونا رو زنده می‌کرد.
- 374 And you think we'll just hand these to you?
و تو فکر می‌کنی ما به راحتی اینارو به شما تحویل میدیم؟
- 375 Oh, and do tell your driver to be careful of pedestrians and other road hazards.
آه، و به رانندتون بگین که مراقب عابران پیاده و بقیه ی خطرات جاده باشه.

درس ۲۶ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

376

377

378

379

380

381

382

383

384

385

386

387

388

389

390

درس ۲۶

- 376 This will be the only thrill of your boring life.
این تنها هیجان زندگی خسته کننده ی شماست.
- 377 Nellie, I could practice with you in my car at lunchtime.
نلی، من می تونم وقت ناهار تو ماشینم با تو تمرین کنم.
- 378 A gift that will make him forget it ever happened.
هدیه ای که باعث میشه یادش بره که همچین چیزی اتفاق افتاده.
- 379 Why did you drop by to see me?
چرا به دیدن من اومدی؟
- 380 She's way too ambitious not to support him.
اون خیلی جاه طلبه تا ازش حمایت نکنه.
- 381 Well, everything turned out pretty good for everybody.
خب، همه چیز برای همه خوب پیش رفت.
- 382 Yeah, but we should fix that.
بله، اما باید درستش کنیم.
- 383 I've been here nine months, Ben, and she's never asked me to take a look at anything for her ever, okay?
من نه ماهه اینجا بن، و اون هیچوقت ازم نخواسته که چیزی رو براش بررسی کنم، باشه؟
- 384 Do you want to come? Maybe we can stay the weekend?
می خوای بیایی؟ شاید بتونیم آخر هفته بمونیم؟
- 385 But he's always been the black sheep of the family.
اما او همیشه یاغی خانواده بوده.
- 386 Why do men instinctively pull at loose threads on their parachutes?
چرا مردا به طور غریزی شرایط رو بدتر می کنن؟
- 387 There is much that remains unclear, but yes, I suspect foul play.
چیزهای مبهم زیادی باقی مونده، اما بله، به قتل مشکوکم.
- 388 Finch taught me that there's beauty in the most unexpected of places. And that there are bright places, even in dark times.
فینچ به من یاد داد که تو غیر قابل انتظارترین مکان ها زیبایی وجود داره. و اینکه مکان های روشنی وجود داره، حتی در زمان های تاریک.
- 389 Why don't you get back in line?
چرا برنمیگردی تو صف؟
- 390 The truth is I would do anything for her, which means that for the next two days, I will do anything for you.
حقیقت اینه که من برای اون هر کاری می کنم، یعنی تا دو روز آینده، برای تو هر کاری می کنم.

درس ۲۷ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

391

392

393

394

395

396

397

398

399

400

401

402

403

404

405

درس ۲۷

- 391 There are two things that I am passionate about--Recycling and revenge.
دو چیز وجود داره که علاقه زیادی بهشون دارم- بازیافت کردن و انتقام.
- 392 Did you call this meeting just to talk junk about our families?
آیا این جلسه رو فقط برای چرت و پرت گفتن درباره خانواده های ما تشکیل دادین؟
- 393 We shall welcome the dawning of a new era.
ما باید از طلوع یه دوره ی جدید استقبال کنیم.
- 394 They have a contractual right to monitor our communications.
اونا حق قراردادی برای نظارت ارتباطات ما دارند.
- 395 All right, listen, just give me a minute to explain this.
خب، گوش کن، فقط یک دقیقه بهم فرصت بده تا توضیح دهم.
- 396 Palmer met some tennis player her own age on the plane ride home.
پالمر تو مسیر برگشت به خونه با یه تنیسور هم سن و سال خودش آشنا شد.
- 397 This is the first time we're hiring senior interns.
این اولین باره که ما کارآموزای ارشد استخدام می کنیم،
- 398 I have a business degree. But I never seem to do anything right around here.
من مدرک بازرگانی دارم. اما به نظر می رسه که هیچ کاری رو این اطراف درست انجام نمیدم.
- 399 And for the record, it's never been my turn.
و محض اطلاع، هیچوقت نوبت من نرسیده.
- 400 You were at the house early, to help the caterers set up. Did you converse with Harlan at that time?
تو زود اومدی خونه تا به مسئولین غذا کمک کنی. تو اون مدت با هارلن صحبت کردی؟
- 401 I'm here because this mornin', someone dodged a very important question.
من اینجا چون امروز صبح، یه نفر از یه سوال خیلی مهم طفره رفت.
- 402 If Granddad wanted to give Marta everything, then that's what he wanted.
اگه پدربزرگ می خواست همه چیز رو به مارتا بده، پس این همون چیزیه که اون می خواست.
- 403 Military forces are stepping in, mobilizing to bring our heroes back.
نیروهای نظامی دارن وارد عمل میشن و برای بازگردوندن قهرمانان ما بسیج میشن.
- 404 You made furniture float. Can you do the same with people?
مبلمان روشناور کردی. می تونی با آدمها هم همین کارو انجام بدی؟
- 405 There can be no exceptions, substitutions, or exchanges.
هیچ استثنا، جایگزینی یا تعویضی نمی تواند وجود داشته باشد.

درس ۲۸ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

406

407

408

409

410

411

412

413

414

415

416

417

418

419

420

درس ۲۸

- 406 The building's custodian is on vacation for the month.
متولی ساختمان تو تعطیلات یک ماهه است.
- 407 I'm coming up with all the ideas here.
من اینجا کلی ایده داره به ذهنم میاد.
- 408 I'm gonna get one of those vultures one day.
به روز یکی از اون کرکس ها رو می گیرم.
- 409 If I report this and it leaks, it will follow me for the rest of my career.
اگه من این رو گزارش کنم و جایی درز کنه، تا آخر عمر کاریم یقمو می گیره.
- 410 I'll do my own hair and makeup.
من خودم آرایش و موهامو درست میکنم
- 411 Well, I'm finally wearing my wedding ring for real.
خب، منم بالاخره واقعا حلقه ی ازدواجم رو دستم می کنم.
- 412 There's been a ton of research on this, and the results are actually incredible.
تحقیقات زیادی در این مورد انجام شده و نتایج واقعا باورنکردنی هستن.
- 413 I happen to think you do a lot of things right.
من فکر می کنم که تو خیلی از کارا رو درست انجام میدی.
- 414 It's what people use to get a closer look at what everybody zooms in.
این همون چیزیه که مردم برای نزدیک شدن به چیزی که همه روش تمرکز کردن، استفاده می کنن.
- 415 You see, I spoke with the caterer this morning, she didn't see you helping her staff.
می دونی، امروز صبح با سر مسئول غذا صحبت کردم. اون ندیده که به کارکنانش کمک کنی.
- 416 It makes no damn sense. Compels me, though.
با عقل جور در نمیاد. هر چند منو وادار می کنه.
- 417 I know. Just saying it, it sounds insane, but it's all true.
میدونم. فقط دارم میگم، گفتنش دیوونه کننده به نظر میرسه. اما واقعیت اینه.
- 418 We have just received a message from the supreme commander of the aliens that has been decoded.
به تازگی پیامی از فرمانده عالی بیگانگان دریافت کردیم که رمزگشایی شده.
- 419 No, you have to be dead to be a legend, honey.
نه، برای افسانه شدن باید مرده باشی عزیزم.
- 420 The weather is particularly splendid today, isn't it?
امروز هوا خیلی عالی، اینطور نیست؟

درس ۲۹ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

421

422

423

424

425

426

427

428

429

430

431

432

433

434

435

درس ۲۹

- 421 Would you like me to take your peel?
آیا دوست دارید من پوست شما رو بردارم؟
- 422 It's not real until your wife is on board.
تا زمانی که همسرت وارد نشه واقعیت نداره.
- 423 Having a ferocious lion around might not be such a bad idea.
بودن یک شیر وحشی اطرافت، نمی تونه ایده ی بدی باشه.
- 424 The Republican convention is less than two weeks away.
کمتر از دو هفته تا کنوانسیون جمهوری خواهان باقی مونده.
- 425 Now hug me and laugh and let's get back into the show.
حالا بغلم کن و بخند و بیا برگردیم به نمایش.
- 426 I'm gonna tell them I'm married to a woman who doesn't beat me, doesn't cheat on me.
من به اونا میگم که با زنی ازدواج کردم که منو کتک نمی زنه، به من خیانت نمی کنه،
- 427 We all work on this one floor, and that is because we are all about communication and teamwork.
همه ی ما تو این طبقه کار می کنیم، و دلیلشم اینه که کار ما به ارتباط داشتن بستگی داره.
- 428 I just don't want her to think that I can't do my job and I need an intern to help me.
من فقط نمی خوام که اون فکر کنه که من نمی تونم کارمو انجام بدم و به یه کارآموز نیاز دارم که به من کمک کنه.
- 429 I guess I don't go to your website enough to know that.
فکر می کنم به اندازه ی کافی وب سایتت رو چک نمی کنم تا اینو بدونم.
- 430 I've put all of it in this letter to her.
من همشو تو این نامه براش می نویسم.
- 431 Walk me through everyone's whereabouts at the time of death.
از موقعیت همه در زمان وقوع مرگ بهم بگید.
- 432 Let me help you go all the way.
بزار تو تمام مسیر کمکت کنم.
- 433 Because the aliens know where we are, and they're coming for us next.
چون موجودات فضایی می دونن که ما کجاییم و بعدش میان دنبال ما.
- 434 Won't be long until the takeover begins.
طولی نمی کشه تا غارت کردن شروع بشه.
- 435 Didn't you leave for your meeting with Spain last night?
دیشب برای قرارت نرفتی اسپانیا؟

درس ۳۰ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

436

437

438

439

440

441

442

443

444

445

446

447

448

449

450

درس ۳۰

- 436 I never really thought much about being more than a receptionist.
من هرگز به این فکر نکرده بودم که بیشتر از یه منشی باشم.
- 437 Ladies and gentlemen, I have heard your complaints, and we reached a settlement.
خانمها و آقایان، من شکایت های شما رو شنیدم و ما به اتفاق نظر رسیدیم.
- 438 Welcome to our humble home.
به خانه محقر ما خوش اومدی.
- 439 But I'm also here as someone who has dealt with this issue for years.
ولی من به عنوان کسی که سال ها با این موضوع سروکار داشته هم اینجا هستم،
- 440 I'm sorry. This is one of my foundations. I've gotta take this.
متاسفم. یکی از موسسه های منه. باید جواب بدم.
- 441 And who I'm gonna spend the rest of my life with. A woman named Katherine.
و با کسی که قراره بقیه ی عمرمو با اون بگذرونم. زنی به نام کترین.
- 442 She started about the fit only 18 months ago.
اون کار روی تناسب اندام رو ۱۸ ماه پیش شروع کرد.
- 443 Let's get through this stuff. Let's do it together. Let's clean-slate it. Let's just do it.
از این مسائل بگذریم. بیا با هم انجامش بدیم. بیا از شرش راحت شیم.. بیا فقط انجامش بدیم.
- 444 I accidentally sent an e-mail to the wrong person.
من به طور تصادفی یه ایمیل به شخص اشتباهی فرستادم.
- 445 Alan's office has been wiring tuition directly to the school as per your request.
دفتر آلن طبق درخواست شما شهریه رو مستقیماً به مدرسه ارسال کرده.
- 446 Marta took Harlan upstairs to give him his meds.
مارتا، هارلن رو برد طبقه بالا تا داروهاش رو بهش بده.
- 447 What's going on? This isn't you. You could just turn me in right now and still get your cut of the inheritance.
چه خبره؟ این تو نیستی. تو می تونستی همین الان منو تحویل بدی و سهم خودتو از ارث بگیری.
- 448 She's right. All these drawings suddenly make perfect sense.
حق با اونه. همه ی این نقاشی ها یهو با عقل جور در میان.
- 449 Um, it's not about who is the strongest or fastest. It's about working together, and that's why we'll need someone to be the leader.
اوم، مهم این نیست که کی قوی ترین یا سریع ترینه. همش به با همدیگه کار کردن مربوطه. و به همین دلیل که ما به کسی نیاز داریم که رهبر باشه.
- 450 Edward had the good sense to turn around before he arrived at the airport.
ادوارد یه حس خوب داشت که قبل از رسیدن به فرودگاه برگرده.

درس ۳۱ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

451

452

453

454

455

456

457

458

459

460

461

462

463

464

465

درس ۳۱

- 451 If you requested to transfer, we can make that happen.
اگه درخواست انتقال دادید، می تونیم براتون انجامش بدیم.
- 452 You'll be happier, believe me. I am not so fun to work for.
خوشحال تر میشین. باور کنید. من اونقدرها آدم باحالی برای کار کردن نیستم.
- 453 Hey, I'm in no rush, but apparently they are.
هی، من عجله ای ندارم، اما ظاهراً اونا دارن.
- 454 What did you do for work, Ben, before you retired?
بن، قبل از بازنشستگی کارت چی بود؟
- 455 You can go sit with the other Moms, okay?
می تونی بری کنار مامانای دیگه بشینی، باشه؟
- 456 You know when people say they want to grow old together?
شنیدی مردم میگن که می خوان با هم پیر بشن؟
- 457 And now I'm watching you ready to give all this up for me.
و حالا دارم می بینم داری همه ی اینارو بخاطر من کنار میزاری.
- 458 The ambulance would take at least 15 minutes to arrive and it'd be too late.
حداقل ۱۵ دقیقه طول می کشد تا آمبولانس برسه و این خیلی دیره.
- 459 You think it'd be like a game show, but think of a community theater production of a tax return.
فکر می کنی شبیه یه بازی نمایشیه، اما به تولید تئاتر اجتماعی با اظهارنامه ی مالیاتی فکر کن.
- 460 This looks like a relatively fresh break.
این یک استراحت نسبتاً تازه به نظر می رسد.
- 461 I can help you get away with this. And then, you're gonna give me my cut of the inheritance.
می تونم کمکت کنم از این شرایط خلاص شی. و بعدش سهم منو از ارث بده.
- 462 Walt, I want you to know that I didn't know about any of this.
والت، می خواستم بدونی که از هیچکدوم از اینا خبر نداشتم.
- 463 Whatever it is, we can work it out. But we have to figure it out right here, right now. And I'm leaving with that report.
هر چی که باشه، می تونیم حلش کنیم. اما ما باید همین جا، همین الان کشفش کنیم. و من با این گزارش میرم.
- 464 When the investigation is over and you know the house will be empty. And that is why you missed the funeral.
وقتی تحقیقات تموم میشه، تو می دونی خونه خالیه. و به همین دلیل که تو مراسم تشییع جنازه نبود.
- 465 Children, thank you for respecting my rules.
بچه ها، ممنون از اینکه به قوانین من احترام میزاید.

درس ۳۲ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

466

467

468

469

470

471

472

473

474

475

476

477

478

479

480

درس ۳۲

- 466 How many times do you need to take a stroll?
چند بار باید اینجا بگردی؟
- 467 I don't think you need a suit to do that.
فکر نمی‌کنم برای این کار کت و شلوار لازم داشته باشید.
- 468 I don't know what you're talking about, man.
نمی‌دونم در مورد چی صحبت می‌کنی، مرد.
- 469 Wasn't this a factory that used to make phonebooks?
اینجا کارخانه‌ی ساخت دفترچه‌ی تلفن نبود؟
- 470 You seem like you're feeling more with it.
به نظر میرسه که احساس بیشتری نسبت بهش داری.
- 471 I would like to be a little less devastated, if that is possible.
اگه بشه، می‌خوام کمتر ناامید باشم.
- 472 I will not let that happen. I love you, and I will do so much better if you'll let me.
نمیزارم این اتفاق بیفته. دوستت دارم و اگه بهم اجازه بدی خیلی بهتر عمل می‌کنم.
- 473 Did you notice anything strange or off about his demeanor?
آیا متوجه چیز عجیب و غریب یا بدی تو رفتارش نشدی؟
- 474 Anything suspicious or out of the ordinary. You'll know it when you see it.
هر چیز غیر عادی یا مشکوکی. وقتی ببینیش متوجه میشی.
- 475 It isn't legally necessary, but I thought because you're all in town, and some of you are leaving soon...
از نظر قانونی لازم نیست، اما فکر کردم چون همه‌ی شما تو شهر هستین و بعضی هاتون به زودی میرین...
- 476 I wanted to say sorry for how everyone was.
میخواستم بخاطر رفتار بقیه عذر خواهی کنم.
- 477 Marta, is it your intention to renounce the inheritance?
مارتا، قصدت اینه که از ارث صرف نظر کنی؟
- 478 You can tell me your whole story on the drive over.
تو می‌تونی تموم داستانتو موقع رانندگی به من بگی.
- 479 There is no one home to wonder why you're going into Harlan's study.
هیچ کس تو خانه نیست که از سرک کشیدن تو تو کتابای هارلان تعجب کنه.
- 480 Your powers are useless if you don't stay calm and focused.
اگر آرام و متمرکز نباشی، قدرت هات بی‌فایده.

درس ۳۳ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

481

482

483

484

485

486

487

488

489

490

491

492

493

494

495

درس ۳۳

- 481 You can suddenly do math in your head?
می تونی یهویی تو سرت حساب کتاب کنی؟
- 482 Well, I think we did it in less than two minutes.
خب، فکر می کنم تو کمتر از دو دقیقه انجامش دادیم.
- 483 And everything you hear in the car is strictly confidential. Okay?
و هر چی که تو ماشین می شنوی، کاملاً محرمانست باشه؟
- 484 For twenty-some years I sat right by that window.
بیست و چند سال درست کنار اون پنجره نشستیم.
- 485 I guess I just needed a little downtime.
حدس می زنم فقط به کمی استراحت نیاز داشتم.
- 486 And once he moves through this, we will eventually be able to be okay again.
و هنگامی که او از این شرایط عبور کرد، ما سرانجام می تونیم دوباره خوب باشیم.
- 487 Physical evidence can tell a clear story with a forked tongue.
شواهد فیزیکی می تونن یه داستان واضح رو به صورت دوگانه توضیح بده.
- 488 I keep waiting for the big reveal. Where it'll make sense. Wouldn't that be nice?
من همچنان منتظر فاش شدن اون موضوع مهم هستم. جایی که همه چیز با عقل جور دربیاد. این خوب نیست؟
- 489 We were just goofing around.
فقط داشتیم وقت می گذروندیم.
- 490 Ladies and gentlemen, I would like to gently request that you all stay in town until the investigation is completed.
خانم ها و آقایان، من می خوام به محترمانه از شما درخواست کنم که تا اتمام تحقیقات تو شهر بمونید.
- 491 Listen, I won't let that happen. Whatever money you need, I'll give it to you. I'm here for you.
گوش کن، من نمیزارم این اتفاق بیفته. هر چقدر پول لازم داری بهت میدم. من برای کمک به تو اینجام.
- 492 Harlan put you in a very hard position here. I mean, it was unfair of him.
هارلن تو رو تو موقعیت خیلی سختی قرار داده. یعنی بی انصافی کرده.
- 493 Marta, remind me what Ransom said his conversation with Harlan ended with?
مارتا، یادم بیار که رانسوم گفت که مکالمش با هارلن چطور تموم شد.
- 494 Poor Fran. She witnessed you tampering with Harlan's medication in the medical bag.
فران بیچاره. او شاهد دستکاری کیف داروی هارلان توسط تو بود.
- 495 What the heck is the president doing here?
رئیس جمهور اینجا چه غلطی می کنه؟

درس ۳۴ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

496

497

498

499

500

501

502

503

504

505

506

507

508

509

510

درس ۳۴

- 496 She was online in four months. She started with 25 employees.
به مدت چهار ماه آنلاین بود و با ۲۵ کارمند شروع به کار کرد.
- 497 Well, it kind of depends on what you did.
خب، بستگی داره که چیکار کردی.
- 498 And the best thing about him is he's been watching us, and he loves what we're doing.
و بهترین چیز در مورد اون اینه که مدتی که مدتی زیر نظرمون داره و کاری که ما انجام میدیم رو دوست داره.
- 499 It was a few steps up back then.
اون موقع چند طبقه بالاتر بودم.
- 500 I mean, you're more on the inside than I am.
منظورم اینه که تو بهش نزدیک تر از منی.
- 501 Clearly you don't think that's a possible thing.
معلومه که فکر نمی کنی همچین چیزی ممکنه.
- 502 And as we can see from this mornin', everyone can lie.
و همونطور که امروز صبح دیدیم، همه می تونن دروغ بگن.
- 503 The streets are literally flooded with Nazis.
خیابونا به معنای واقعی کلمه مملو از نازی هاست.
- 504 We just wanna ask a few questions.
فقط می خوایم چند تا سوال بپرسیم.
- 505 Harlan altered his will a week before he died.
هارلن یه هفته قبل از مرگش وصیت نامش رو تغییر داد.
- 506 And I want you to know I'm gonna take care of you, I promise that.
و من می خوام بدونی که ازت مراقبت می کنم. قول میدم.
- 507 So you're saying that even if it came to light, with your family's resources, you could help me fix it?
پس تو میگی حتی اگه قضیه فاش شد، اونم با منابع خونوادتون، می تونی بهم کمک کنی درستش کنم؟
- 508 Granted. But it is the only way what comes next makes sense.
قبول. اما این تنها راهیه که اتفاق بعدش با عقل جور درمیاد.
- 509 She did not know what you were doing. But she knew you were up to no good.
نمی دونست تو داشتی چیکار می کردی. اما می دونست که تو کار خوبی نمی کنی.
- 510 Ever wonder why we bother with all this when she already knows how it's gonna turn out?
اصلا فکر کردی که چرا این همه خودمونو زحمت می دیدم در حالی که اون از قبل می دونه که قراره چی بشه؟

درس ۳۵ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

511

512

513

514

515

516

517

518

519

520

521

522

523

524

525

درس ۳۵

- 511 We just hit a record high of 2,500 likes on Instagram.
ما همین الان تو اینستاگرام به رکورد ۲۵۰۰ لایک رسیدیم.
- 512 We were going out for a minute. I thought she was cool. I really liked her.
داشتیم برای یه دقیقه بیرون میرفتیم. فکر کردم باحاله. واقعا خوشم می اومد ازش.
- 513 You started this business all by yourself a year and a half ago.
تو یک سال و نیم پیش این تجارت رو به تنهایی شروع کردی،
- 514 Break into her house and steal the computer? Are you kidding me?
میرین تو خونه ی اون و کامپیوتر رو می دزدین؟ شوخی میکنی؟
- 515 She's got a lot on her shoulders. The pressure is unbelievable.
مشغله ی خیلی زیادی داره. فشار روش غیر قابل باوره.
- 516 I have faith in us because I believe he still loves me.
من به خودمون ایمان دارم چون... باور دارم هنوز دوستم داره.
- 517 We kept you waiting all afternoon, because I wanted to hear from you last.
ما تمام بعدازظهر تو رو منتظر گذاشتیم، چون می خواستم آخرین نفری باشی که باهات حرف می زنم.
- 518 If you wanna become an American, there are legal ways to do it.
اگر می خوای آمریکایی باشی، راه های قانونی زیادی برای انجام دادنش وجود داره.
- 519 Funny, Ransom, you skipped the funeral, but you're early for the will reading.
خنده داره، رنسم، تو مراسم تشییع جنازه نیومدی، اما برای خوندن وصیت نامه خیلی زود اینجا بودی.
- 520 He sealed it. He asked me not to submit it to the courts for probate until after his death.
مهر و مومش کرد. اون از من خواست تا قبل از مرگش اون رو به دادگاه ارائه ندم.
- 521 Did Blanc find anything suspicious at the house?
بلان چیز مشکوکی تو خونه پیدا کرد؟
- 522 You better be sure that's what you want.
بهتره مطمئن باشی که چی می خوای.
- 523 So you storm out, you drive off into the night.
پس عصبانی می زنی بیرون و تو شب رانندگی می کنی.
- 524 He now realizes that Marta has committed no crime and the tox report will prove her innocence.
حالا اون متوجه میشه که مارتا هیچ جرمی مرتکب نشده و گزارش سم شناسی بی گناهییش رو ثابت می کنه.
- 525 Looks like we underestimated your abilities and your leadership qualities.
به نظر می رسه ما توانایی ها و ویژگی های رهبری تو رو دست کم گرفتیم.

درس ۳۶ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

526

527

528

529

530

531

532

533

534

535

536

537

538

539

540

درس ۳۶

- 526 And that's what we do when something good happens around here.
و این کاریه که وقتی اتفاق خوبی این اطراف می افته، انجام میدیم.
- 527 I should probably actually just talk to her, huh?
من احتمالا باید فقط با خودش صحبت کنم، ها؟
- 528 And now you have a staff of 220 people. Remember who did that.
و حالا یک پرسنل ۲۲۰ نفری دارید. یاد باشه کی اینکارو کرد.
- 529 Oh, relax, fellas. This is gonna be a piece of cake.
اوه، آرام دوستان. خیلی آسونه.
- 530 We don't see her enough, and maybe this can fix that.
ما به اندازه ی کافی نمی بینیمش و این ممکنه درستش کنه.
- 531 But I am only human, and I am so mad at him.
اما من فقط یه آدمم و خیلی از دستش عصبانیم.
- 532 I needed an entire picture of the evening in my head, and your piece of it is at its very center.
من به یه تصویر کامل از عصر اون روز تو ذهنم نیاز داشتم، و صحبت های تو مهمترین بخش شکل گیریه اونه.
- 533 But if you break the law, it doesn't matter how good your heart is.
اما اگه قانون رو زیر پا بزاری، مهم نیست که چقدر خوش قلب هستی.
- 534 Why are you even bothering? That's what I'm asking myself.
اصلا چرا خودتو اذیت می کنی؟ این دقیقا چیزیه که من از خودم می پرسم.
- 535 Although I don't imagine any of it is going to be that complicated.
اگرچه تصور نمی کنم هیچی اونقدرها پیچیده باشه.
- 536 You lay low for a couple days, wait for this investigation to blow over, and it will.
یه چند روزی کنار بکش. منتظر بمون تا تحقیقات تموم بشه که میشه.
- 537 So I'm screwed? How do you know all this stuff?
پس من گند زدم؟ چطور همه چیزو می دونی؟
- 538 You return, careful to avoid the gate's security camera range.
برمی گردی، مراقبی که از محدوده دوربین امنیتی دروازه دور بمونی.
- 539 That's right. Fran's dead. And you just confessed to her murder.
درسته. فران مرده و تو همین الان به قتلش اعتراف کردی.
- 540 If you hadn't broken out, you would have all been captured.
اگه فرار نمی کردید، همتون اسیر می شدین.

درس ۳۷ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

541

542

543

544

545

546

547

548

549

550

551

552

553

554

555

درس ۳۷

- 541 New interns, grab a seat at one of the intern tables over there.
کارآموزای جدید، رو یکی از صندلی های کارآموزی اونجا بشینید.
- 542 Jules, we can't keep up with our own success. You know that.
جولز، ما نمی تونیم با موفقیت خودمون پیش بریم. خودت اینو می دونی.
- 543 They actually prefer to be called stay-at-home Dads.
اونا در واقع ترجیح میدن بهشون بگن پدرهای - خونه نشین.
- 544 She doesn't have an alarm, right?
اون که آژیر خطر نداره، درستته؟
- 545 Whatever she decides, I just... I want it to be good for her. I want her to be happy.
هر تصمیمی بگیره، من فقط... می خوام براش خوب باشه. می خوام خوشحال باشه.
- 546 He told me to sleep on it and that we'd talk tomorrow, but I said the job was his.
به من گفت بهش فکر کن و فردا با هم صحبت می کنیم، اما من گفتم کار مال اونه.
- 547 Can you just take your goddamn medicine and go to bed?
میتونی فقط داروی لعنتیتو بخوری و بری بخوابی؟
- 548 Walt, she's fine. She ate the entire salmon spread already.
والت، اون خوبه. او قبلاً کل ماهی قزل آلا رو خورده بود.
- 549 He knows what it's supposed to mean.
او می دونه که این چه معنی ای میده.
- 550 Some of you may be surprised by the choice I've made here. No pleasure was taken in the exclusion.
ممکنه بعضی از شماها از انتخابی که من اینجا انجام دادم شگفت زده بشید. هیچ لذتی تو محرومیت نیست.
- 551 Why is grief the providence of youth?
چرا غم مشیت جوونیه؟
- 552 This is insane. I mean, who would blow up a whole real building just to blackmail me?
این دیوونگیه. منظورم اینه که کی یه ساختمون واقعی رو منفجر می کنه تا از من اخاذی کنه؟
- 553 What you need to do will take moments. But it is essential that you are alone and undetected.
کاری که باید انجام بدی چند لحظه طول می کشه. اما ضروریه که تنها باشی و شناسایی نشی.
- 554 You've already missed two weeks of school this year.
تا همین جاشم دو هفته از مدرسه ی امسال رو از دست دادی.
- 555 And now you've managed to lead us into the heart of this alien mother ship?
و حالا تو تونستی ما را به قلب کشتی مادر آدم فضایی ها هدایت کنی؟

درس ۳۸ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

556

557

558

559

560

561

562

563

564

565

566

567

568

569

570

درس ۳۸

- 556 I actually thought you looked younger.
در واقع فکر می کردم جوون تر باشی.
- 557 Customer service is slammed. We're running out of inventory.
خدمات مشتری مورد انتقاد قرار گرفته. موجودی ما در حال اتمامه.
- 558 It's 2015. Are we really still critical of working Moms? Seriously? Still?
سال ۲۰۱۵ه. هنوز داریم از مادرای شاغل انتقاد می کنیم؟ جدی میگی؟ هنوز؟
- 559 So we were always told we could be anything, do anything.
همیشه به ما گفتن که می تونیم همه چی بشیم. همه چی.
- 560 So, you excited about our trip to San Francisco tomorrow?
پس، درباره ی سفر فردا ما به سانفرانسیسکو هیجان زده ای؟
- 561 You know if, uh, we disagree, he's the tiebreaker?
می دونی اگه ما به توافق نرسیم، اون تصمیم می گیره کی برندست؟
- 562 My only hope is that an earthquake will strike.
تنها امیدم اینه که زلزله بیاید.
- 563 I stayed hoping to speak to you a little more.
من به این امید موندم که کمی بیشتر باهات صحبت کنم.
- 564 It means your son's a little creep.
یعنی پسرت کمی منفوره و غیرعادیه.
- 565 And its purpose was not to sow greater discord in the family, quite the opposite.
و هدف این کار ایجاد اختلاف بیشتر تو خانواده نبود، بلکه برعکس.
- 566 I don't know. But I'd imagine that age deepens all feelings. Including grief.
نمی دونم. ولی تصور می کنم که سن همه ی احساسات رو عمیق تر می کنه. از جمله غم و اندوه.
- 567 That was the dumbest car chase of all time. Put your hands down.
این احمقانه ترین تعقیب و گریز ماشین در تمام دوران بود. دستاتو بیار پایین.
- 568 You knew what medications Harlan took. You knew what Marta would be injecting him with that night.
می دونستی هارلان چه داروهایی مصرف می کنه. میدونستی اون شب مارتا بهش چی تزریق می کنه.
- 569 Because what you really mean is that I'm gonna have to deal with it.
قانونا منظور تو اینه که باید یه جوری باهش کنار بیام.
- 570 Oh, good. Just the kind of divisive attitude I've been counting on.
خوبه. درست همون نوع نگرش تفرقه انگیزیه که روش حساب می کردم.

درس ۳۹ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

571

572

573

574

575

576

577

578

579

580

581

582

583

584

585

درس ۳۹

- 571 Just talk fast. She hates slow talkers.
فقط سریع صحبت کن. از کسانی که آهسته حرف می زنن متنفره.
- 572 That it's all going too fast, and it could get away from us.
اینکه همه چیز خیلی سریع پیش میره و می تونه از دستمون خارج بشه.
- 573 I like to think of it as a little bit of paradise.
من دوست دارم به عنوان یه تیکه از بهشت تصورش کنم.
- 574 They're still dressing like little boys. They're still playing video games.
اونا هنوز مثل پسر بچه ها لباس می پوشن. هنوز دارن بازی ویدیویی انجام میدن.
- 575 You don't look like you. You're all flushed.
تو شبیه خودت نیستی. سرخ شدی.
- 576 She's a great gal. She surprised me last night. She brought over dinner.
اون یه دختر عالییه. دیشب منو سورپرایز کرد و شام آورد.
- 577 This is what I just gave you 100 milligrams of. I messed up.
این همان چیزیه که من به شما ۱۰۰ میلی گرم ازش دادم. گند زدم.
- 578 Something is afoot with this whole affair.
در کل این ماجرا یه چیزی در جریانیه.
- 579 I think it means our father finally came to his senses and cut this worthless little brat out of his will.
فکر می کنم این یعنی که پدرمون بالاخره سر عقل اومد و این دلقک کوچولوی بی ارزش رو از وصیت نامش حذف کرد.
- 580 Please accept it with grace and without bitterness, but do accept it,
لطفا با آغوش باز و بدون تلخی بپذیریدش، واقعا بپذیریدش.
- 581 This was a long walk to offering condolences for the loss of your son.
این یه مسیر طولانی برای ابراز تسلیت برای از دست دادن پسرتون بود.
- 582 Night of the party, she saw someone climbing the trellis to the third floor.
شب مهمونی، اون یه نفرو دیده که از نرده ها تا طبقه سوم بالا میره.
- 583 Hand me that vial of morphine, I'll show you.
شیشه ی مرفین رو بهم بده. بهت نشون میدم.
- 584 When's the last time you hung out with your friends?
آخرین باری که با دوستات وقت گذروندی کی بود؟
- 585 And I'm determined to spend as much time together as we can over the next few days.
و من مصمم هستم که تا اونجا که می تونیم چند روز آینده زمان بیشتری رو با هم بگذرونیم.

درس ۴۰ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

586

587

588

589

590

591

592

593

594

595

596

597

598

599

600

درس ۴۰

- 586 Don't dawdle in any way. Just keep it moving. And don't forget to blink.
به هیچ وجه لج نکن. فقط بزار همه چی جلو بره. و یادت نره پلک بزنی.
- 587 Brilliant. Thank you. Best thing that's happened around here all week.
شاهکاره. متشکرم. بهترین اتفاقی که تو کل هفته افتاده.
- 588 Sorry. I was really looking forward to it.
متاسفم. خیلی منتظرش بودم.
- 589 And the best news is, I have a crush on a girl I met at work.
و بهترین خبر اینه که به دختری که تو محل کارم دیدم، علاقه دارم.
- 590 I think we're good here. Got a lot of work to do.
فکر می کنم اینجا خوبیم. کار زیادی برای انجام دادن داریم.
- 591 You remember the day I drove you to the warehouse?
روزی که رسوندمت انبار یادته؟
- 592 I'm gonna give you an emergency shot of Naloxone, so you don't die in 10 minutes.
من یه آمپول اورژانسی نالوکسون بهت تزریق می کنم، تا ۱۰ دقیقه دیگه نمیری.
- 593 I determine the arc's path, stroll leisurely to its terminus and the truth falls at my feet.
منحنی مسیر رو تعیین می کنم، آرام به سمت انتهای مسیر قدم می زنم و حقیقت به پای من می افتد.
- 594 Did Harlan tell you he was gonna cut you out of the will?
هارلن بهت گفت که قراره از وصیت نامه حذفت کنه؟
- 595 My father owns none of it. She made him sign a prenup.
پدر من صاحب هیچکدوم از اونا نیست. اون مجبورش کرد تعهدنامه قبل از ازدواج رو امضا کنه.
- 596 One thing I assume of age is weariness.
یکی از چیزهایی که در مورد سن تصور می کنم، خستگیه.
- 597 I don't know what he came back to do, but we'll find out.
نمی دونم برای چه کاری برگشت، اما خواهم فهمید.
- 598 In fact, if Harlan had listened to you and called the ambulance, he would be alive today.
در واقع، اگه هارلان به تو گوش داده بود و به آمبولانس زنگ می زد، امروز زنده بود.
- 599 I think it would be really good if you'd spend some time with them.
فکر کنم خیلی خوبه اگه کمی با اونا وقت بگذرونی.
- 600 I had it made for your engagement present. I hope it's suitable.
گفته بودم اون رو برای هدیه ی نامزدی تون بسازن. امیدوارم مناسب باشه.

درس ۴۱ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

601

602

603

604

605

606

607

608

609

610

611

612

613

614

615

درس ۴۱

- 601 I'm glad you also see the humor in this.
خوشحالم که اینو به دید طنز می بینید.
- 602 Let me see what I can do.
بذار ببینم چیکار میتونم بکنم.
- 603 But I'm hoping we can pick another night.
اما امیدوارم بتونیم یه شب دیگه رو انتخاب کنیم.
- 604 I was sick a few years back. I'm not anymore.
چند سال پیش مریض بودم. دیگه نیستم.
- 605 Jules, people my age get tired sometimes. That's all this is.
ژولز، افراد هم سن و سال من گاهی خسته میشن. همش همینه.
- 606 I want to continue running my company, Matt. You got to know that.
من می خوام مدیریت شرکت رو ادامه بدم. خواستم بهت بگم مت.
- 607 You know, this is an interesting and efficient method of murder. I need to write this down.
می دونی، این یه روش جالب و کارآمد قتل. باید این رو بنویسم.
- 608 The medical examiner was ready to rule this a suicide, but Elliott agreed to keep it pending for 48 hours.
بازرس پزشکی آماده بود که این رو خودکشی اعلام کنه، اما الیوت موافقت کرد که اون رو به مدت ۴۸ ساعت تعلیق کنه.
- 609 Maybe this might finally make you grow up.
شاید این در نهایت باعث بشه بزرگ بشی.
- 610 Not even convicted. Even if they're held responsible for their death in civil court.
نه حتی محکوم بشه. حتی اگه تو دادگاه مدنی مسئول مرگ شناخته بشه.
- 611 I think you're very perceptive and very capable of telling me what you saw the night of your son's party.
فکر می کنم شما بسیار فهیم هستید و می تونید به من بگید که تو شب مهمونی پسرتون چی دیدید.
- 612 The family is truly desperate. Desperate motives.
خونواده واقعاً مستأصله. انگیزه های ناامید کننده.
- 613 You don't have a shred of evidence, you're just spinning a fairy tale.
تو ذره ای مدرک نداری. فقط داری قصه ی پریان تعریف می کنی.
- 614 So, if I hung out with my friends, you'd get me outta this assignment?
پس، اگه من با دوستانم وقت بگذرونم، منو از این برنامه بیرون می کشی؟
- 615 I thought you had a terrible snow storm last winter.
فکر کردم زمستون گذشته توفان برفی وحشتناکی داشتی.

درس ۴۲ - به فایل های تصویری با دقت گوش کنید، سپس با صدای بلند تکرار کنید و جملات انگلیسی را از حفظ بنویسید.

616

617

618

619

620

621

622

623

624

625

626

627

628

629

630

درس ۴۲

- 616 I was gonna say what is a nice guy like you doing at a place like this?
می خواستم بگم یه مرد خوبی مثل شما تو همچین جایی چیکار می کنه.
- 617 My parents gave me two weeks to find a place, and that's just not gonna happen.
والدینم دو هفته به من فرصت دادن تا یه جایی پیدا کنم و این اتفاق نمی افته.
- 618 And I didn't hear anything he said after that.
و بعدش هر چیزی که گفت رو نشنیدم.
- 619 Yeah, I know. But believe me, I look better than I feel.
آره میدونم اما باور کن بهتر از اونیه که احساس می کنم به نظر می رسم.
- 620 Please let me be here. I need to lie down, too.
لطفا اجازه بده منم اینجا باشم. منم باید دراز بکشم.
- 621 Then do it. I don't want you to be unhappy.
پس انجامش بده. نمی خوام ناراحت باشی.
- 622 So, if someone switched the meds on purpose, I'd be dead in 10 minutes.
بنابراین، اگه کسی از عمد داروها رو عوض کرده من تا ۱۰ دقیقه دیگه می میرم.
- 623 Tomorrow morning, I search the grounds and the house, begin my investigation.
فردا صبح، محوطه و خانه رو جستجو می کنم و تحقیقاتم رو شروع می کنم.
- 624 What was that about will readings being boring?
اینکه گفتمی مراسم خوندن وصیت نامه خسته کنندست چی بود؟
- 625 There's only one answer to this. She has to renounce the inheritance.
تنها یه راه حل وجود داره. اون باید از ارث صرف نظر کنه.
- 626 In fact, I find it quiet pleasant sitting here with you.
در واقع، کنار شما بودن در اینجا خیلی دلپذیره.
- 627 Do you mind if I stop for a second? I need to pick something up. It'll be very quick.
ممکنه برای یک لحظه بایستم؟ باید چیزی بردارم. خیلی سریع میام.
- 628 You cannot reveal how you know.
تو نمی تونی نشون بدی که از کجا می دونی.
- 629 It's before noon. He'll still be asleep.
قبل از ظهر. هنوز خوابه.
- 630 Uh, I guess I'm a bit nervous with the big contest coming up.
فکر کنم یه خرده به خاطر مسابقه ی پیش رو عصبیم.

پکیج تصویری تقویت لیسنینگ

جلد سوم

شامل ۶۳۰ جمله (۴۲ تا درس)

هر درس ۱۵ جمله

تقویت لیسینگ با فیلم جلد سوم

